

|   |   |                                   |   |
|---|---|-----------------------------------|---|
| تاریخ صدوپانزده ساله ی احزاب و سازمان های چپ متعلق به جنبش های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران<br>صفحه ۱۶ | پرسش ها و پاسخ های قابل بحث درباره اوضاع جهان (بخش دهم و پایانی)<br>صفحه ۱۶ | در جنبش جهانی کمونیستی<br>صفحه ۱۶ | ناتو دست به اقدام بزرگترین مانور نظامی ضد روسی پس از زمان جنگ سرد زده است<br>صفحه ۶ |
|---|---|-----------------------------------|---|

## دست شلاق زنان کوتاه باد!

رژیم مستبد و قرون وسطائی جمهوری اسلامی ایران در خیال خام ۱۴۰۰ و اندی سال پیش، خود را در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶) با تنفیری وسیع رو به رو ساخت و با شکست سختی مواجه شد. محکوم ساختن ۱۷ کارگرمعدن طلای معدن "آق دره" به شلاق نفرت و محکوم کردن وسیعی را در سراسر ایران و به خصوص در بین تشکلهای مستقل کارگری یک صدا نشان داد. جنبش وسیعی که از هنگام صدور بیانیه مشترک در مورد جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی حول مطالبه حذف اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین به راه افتاده است که بیانگر اهمیت این مطالبه در زندگی اکثریت جامعه است و به همین خاطر روز بروز سرعت رو به اعتلاء گذاشتن اش افزوده می گردد. **بقیه در صفحه سوم**

## برای انقلاب کردن چگونه حزبی لازم است (۲)

دومین شرط را در پیروزی بلشویسم لنین ۱۳ سال مبارزه همه جانبه ی تئوریک و ایدولوژیک با اپورتونیسیم راست سازشکارانه کائوتسکی میدانند. لنین تاکید می کند بدون چنین مبارزه ای کادر ها و اعضای حزب بلشویک نمی توانستند از لحاظ خط و اندیشه پرورش یابند و در اوضاع بغرنج مبارزه طبقاتی پرولتاریا را به پیروزی برسانند. تجربه ی بعدی اهمیت این نکته را بیشتر برجسته کرد. معلوم شد که پس از پیروزی بر دشمن طبقاتی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه بین دو خط مشی در درون احزاب کمونیستی همچنان ادامه دارد و چنانچه به موقع با آن مبارزه نشود بازگشت بورژوازی حتمی است. در شوروی خروشچف و در چین تین سیائو پین نمایندگان مشی **بقیه در صفحه پنجم**

## موج جدید سرکوب ها در ایران

های مختلف اجتماعی به جلو می برند. هر صدای ناهماهنگی را با عناوین مختلف مورد حمله قرار داده و سپس با زدن مهر امنیتی زمینه را برای پرونده سازی توسط قوه قضائیه و هجوم گله های لباس شخصی آماده می کنند. اینکه رژیم هر چند گاهی آنرا به مثابه تاکتیکی زمانبندی شده و پروسه وار به جلوی صحنه اجتماعی می راند، جدا از تسویه حساب های درون گروهی و امنیتی نگاه داشتن دائم جامعه، به شکست و ناکامی های رژیم در زمینه های مشخص خارجی و داخلی برمی گردد.

بعد از سخنرانی خامنه ای در رابطه با "ولنگاری فرهنگی" مزدبگیران حکومتی اعم از امامان جمعه تا نمایندگان ولایت فقیه در استانها و شهرستان ها در ارگان های مختلف دولتی و غیره همین موضع را با زبان های مختلف علیه **بقیه در صفحه دوم**

این روزها با نزدیک شدن ماه رمضان بهانه ای به دست رژیم در سرکوب بیشتر تحت عنوان کنترل فرهنگی داده است. لغو کنسرت ها همراه با ببند و بگیر و هجوم به مراسم های مختلف غیر مذهبی اعم از جوانان و اقشار دیگر، کنار گذاشتن زنان از بخش موسیقی، حذف شاعران و نویسندگان مترقی از رسانه های عمومی بویژه دولتی، ادامه سیاست های بشدت ضد فرهنگی است که رژیم جمهوری اسلامی از روز به قدرت رسیدنش در پی اجرای عملی آنها بوده است ولی به علت مقاومت وسیع توده ای علیه آنها، مجبور به عقب نشینی و و به دنبال پیدا کردن فرصت و تهاجم در مراحل بعدی بوده است. سیاست حزب فقط حزب الله امروز فقط در مفهوم سیاسی آن در جمهوری اسلامی بکار گرفته نمی شود حاکمین اسلامی آنرا در عرصه

## گزارش مختصر از آکسیون اعتراضی ۶ ژوئن در ژنو

۱۰ خرداد آغاز گردید و تا جمعه ۲۱ خرداد ادامه یافت. رژیم جمهوری اسلامی ایران همچون سال های گذشته این بار نیز چندین نفر از مزدوران خود را به عنوان هیئت نمایندگان کارگران ایران به این نشست اعزام کرده بود. از جمله اعضای این هیئت عبارت بودند از غلامرضا عباسی، رئیس کانون عالی انجمن های صنفی کارگران، اولیاعلی بیگی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی و سید محمد یار احمدیان از سوی "مجمع نمایندگان کارگران". هیچ یک از افراد این هیئت که عنوان نمایندگی کارگران را یدک می کشیدند، از سوی کارگران ایران انتخاب نشده بودند، و رسواتر اینکه این به اصطلاح نمایندگان کارگران، حتی منتخب اعضای آن سه تشکل دولتی نیز نبودند، و سر راست توسط مقامات امنیتی رژیم برای این ماموریت دست **بقیه در صفحه چهارم**

اخیرا در رابطه با نشست سالیانه سازمان جهانی کار و اعتراض ایرانیان خارج از کشور به حضور نمایندگان رژیم اسلامی به عنوان نمایندگان کارگران ایران، گزارش مختصری از این آکسیون اعتراضی توسط نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور و اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران منتشر شد. ما ضمن پشتیبانی از این اتحاد عمل مشترک برای آگاهی عموم به انتشار بخش هایی از این گزارش اقدام می کنیم

## گزارش مختصر از آکسیون اعتراضی ۶ ژوئن در ژنو

یکصدوپنجمین اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار در شهر ژنو از تاریخ دوشنبه

# چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

های اجتماعی به لحاظ عملی قرار گرفته است. این جنبشی است که هر روز شلاق استثمار سرمایه را بر پشت خود دارد و مبارزه اش از مناسبات روزمره کار و تولید نشات می گیرد. بیشترین زندانیان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی ایران شامل فعالین کارگری و روشنفکران متمایل به آن هستند. جنبش معلمان و پرستاران نیز از دیگر جنبش های صنفی سیاسی در ایران هستند که در حال تکامل و پختگی در عمل اعتراضی و سازماندهی هستند. رهبران عملی این جنبش ها با شجاعت در مقابل درخواست های غیر قانونی رژیم ایستاده اند و از حقوق حقه خود و هم کاران خود کوتاه نیامده اند. اوضاع ایران نشان می دهد که جنبش های اجتماعی در حال رشد هستند. در عین حال رژیم اسلامی نیز بطرف ناتوانی بیشتر در کنترل اوضاع پیش می روند. امروزه دیگر فعالین اجتماعی و مبارزین راه آزادی و عدالت اجتماعی تنها نیستند. در پشت سر آنها جنبش های اجتماعی وجود دارد که پویا و رو به رشد و گسترش هستند، اگر چه هنوز برخی از آنها دارای ضعف ها و پراکندگی های فکری و عملی هستند. اعلامیه ها و اطلاعیه های این جنبش ها بویژه جنبش کارگری نشان می دهد که کارگران و فعالین آنها در تلاش همه جانبه ای برای فایق آمدن بر ضعف ها و پراکندگی های موجود هستند. همانطور که رژیم با گذراندن قوانین ارتجاعی در حال تمرکز نیرو برای سرکوب خواست های بحق اجتماعی توده های بجان آمده است ولی در برابر آن نیز کارگران و همه نیروهای اجتماعی مترقی در حال برطرف کردن ضعف ها و گذار به وضعیت های بهتری چه به لحاظ همکاری و اتحاد عمل و وحدت حول خواست های کوتاه و طولانی مدت خود هستند.

روند بهتر شدن شرایط مبارزاتی و سیاسی برای جنبش های مترقی و انقلابی ایران در حالی ادامه دارد که اوضاع اقتصادی برای کارگران و زحمتکشانشان بسیار بدتر شده است. حقوق ها دیگر به هیچ وجه کفاف گذران حداقل زندگی را هم نمی کند. حاکمیت که با وعده های پس از برجام برای خود کیسه های گشادای دوخته بود، با عدم موفقیت در تعامل با سرمایه داری بین المللی روبرو شده است و آنها مشغول سردواندن دولت ایران در عرصه های مشخص سیاسی و اقتصادی و غیره هستند، ولی با این حال در رابطه با سرکوب های سیاسی در ایران عملاً سکوت پیشه کرده و دست رژیم را برای قلع و قمع مخالفین خود باز گذاشته اند. تهاجم

و شورای اسلامی با گذاشتن تبصره زیر "تبصره- اصول و چهارچوب های بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران عبارتند از دین و مذهب رسمی کشور، ابتنای نظام بر ولایت مطلقه فقیه، اسلامیت و جمهوریت" آب پاکی بر همه متوهمین اصلاح طلب درونی و بیرونی نظام ریخته و دست خود را در دخالت حتی در خصوصی ترین مسائل فکری افراد در جامعه باز گذاشته اند. مجموعه ای از عملکرد سرکوبگرانه به همراه قانون مند کردن این عملکرد همراه است با فشارهای بیشتر اعتراضات اجتماعی از پائین. رژیم اسلامی که اوایل به قدرت رسیدنش حکم حرام بودن موسیقی و ادوات موسیقی را صادر کرد ناشی از فشار قدرتمند هنرمندان در سطح وسیع و با حمایت توده ای از پائین، مجبور شده است هزاران نوازندگان موسیقی خیابانی را تحمل کند. جنبش جوانان هم در همین راستا به اشکال گسترده تری فراروئیده است. تجمع جوانان در فراخوان های خودجوش و مقابله حکومت با این حرکات هر روز شکاف و تضاد بین جوانان و دانشجویان از یک سو و حکومت از سوی دیگر را تشدید می کند. فشار بر جنبش زنان تحت عنوان بدحجابی و آزار و اذیت زنان در خیابان و مکان های عمومی بخاطر نوع پوشش افزایش یافته و امنیت اجتماعی را به درجات زیادی برای زنان کاهش داده است.

جنبش کارگری در بین جنبش های اجتماعی که امروز رو در روی رژیم ایستاده است. بدلائل مختلفی هم منسجم تر و هم بنیانی تر و قدرتمندتر عمل می کند. در دو دهه گذشته جنبش کارگری در روند اعتراضات خود اکثر قریب به اتفاق نهادهای دولتی مانند خانه کارگر و غیره را از پیش پای برداشته است و یکی از عوامل موفقیت های بعدی این جنبش مرزبندی آن با نهادهای ظاهراً کارگری ساخته شده توسط سرمایه داری در داخل و خارج مانند سولیداریتی سنتر و غیره است. شکلگیری کمیته های کارگری سندیکا و تشکلات مستقل در جنبش کارگری آنهم در دوران سرکوب دائم رژیم اسلامی در عین ایجاد مشکلات برای فعالین کارگری اما تجربیات گرانمایی را به همراه داشته است. جنبش کارگری و فعالین درون این جنبش با اینکه مبارزه طبقاتی را از گروه های کوچک به سطح علنی اجتماعی رسانیده اند ولی در عین حال تلفیق آنرا با کار غیر علنی برای ادامه کاری آن و ضرورت سازمان دادن آن دریافته اند. به جرات می توان گفت که جنبش کارگری امروز در راس جنبش

مردم بیان کرده و آنها را تهدید به مجازات های الهی و حکومتی کردند. با این سخنرانی موجی از سرکوب دوباره اوج گرفت. در کنار موج سرکوب های تازه تحت عنوان کنترل فرهنگی هجوم به آزادی های فردی و اجتماعی شدت بیشتری یافت و فضای بشدت اختناق آوری را به جامعه حاکم کرده اند. روزنامه های ایران هر روزه خبری از دستگیری افراد در پارتی های شبانه، روزه خواری و غیره منتشر کرده بطور مثال روزنامه رجا نیوز نزدیک به جریان احمدی نژاد در خبری در همین رابطه می نویسد "چهارمتمهم زن به دلیل کشف حجاب علنی و متجاهرانه و اخلال در نظم به حکم قضات ویژه در محل وقوع بزه دستگیر شدند". روشن است که فضای سرکوب به مسئله حجاب و پارتی های شبانه و روزه خواری خلاصه نمی شود. دولت برای کامل کردن این روند، بعد از دو سال طرح تعریف جرم سیاسی و مسائل حول و حوش آن را در ارگان های رهبری تأیید و آنرا به دولت سپرد، طرحی که نه تنها با قانون اساسی خود نوشته رژیم هم ناهمخوانی دارد بلکه شمشیر را علیه مخالفین از رو بسته و به کوچکترین نگاه انتقادی مهر مجرمیت زده و بسیاری از فعالیت های سیاسی را از بخش جرم سیاسی جدا کرده و به بخش مجرمیت های اجتماعی برده است. در فصل اول بند اول در تعریف جرم سیاسی آمده است "ماده ۱- هرگاه رفتاری با انگیزه نقد عملکرد حاکمیت یا کسب یا حفظ قدرت، واقع شود بدون آنکه مرتکب، قصد ضربه زدن به اصول و چهارچوب های بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می شود". دولت مجری این طرح و ارگان های تأیید کننده آن به خوبی می دانند که اجرای عملی آن در سطح اجتماعی غیر قابل اجرا است. حتی در دیکتاتوری های فاشیستی نظامی هم ظاهراً حق نقد را در قانون آزاد می گذارند. اما در دنیای امروز رژیم پیچیده پیدا شده است که در قانونش حق نقد را جرم دانسته و عملکرد هر مخالف سیاسی را جدا از اینکه در چه سطح مخالفت باشد مجرم اجتماعی می خواند. با این حساب همه فعالین اجتماعی، روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان، زنان و غیره مجرم هائی در رده های دزدان و قاتلان و باندهای مواد مخدر و کلاهبرداران جای می گیرند. البته ارگان هائی مانند شورای نگهبان و تشخیص مصلحت نظام

## کارگران جهان متحد شوید



جهانی یک لحظه تردید نکرده و شلاقهای ظلم و جور بر بدن انسانهای زحمت کش و کارگر برای همیشه به داخل تنور گرم انداخته و مانع از تجاوز کنونی خواهند شد و سزای شلاق زنان را خواهند داد تا دیگر کسانی دست به چنین اعمال شنیعی در خدمت استثمار و ستمگران به ازاء مشتی پول آغشته به خون نزنند. بهشت موعود همین بهشت امروز آخوندی است که میلیاردها پول در دست نظام جمهوری سران اسلامی است و گرسنه و فقر بر زندگی کلیه کارگران و زحمت کشان سایه شومی انداخته در حدی که دستمزد کار کارگران طی ماهها و سالها به کارگران پرداخته نشده و با شلاق زنی جواب خواست به حق کارگران از جمله در معدن طلا داده می شود. سکوت و جدا و فرقه ماندن و عمل کردن در مبارزه کنونی شایسته مبارزه باشلاق نیست

ک. ابراهیم

۹ ژوئن ۲۰۰۱۶



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضای وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

البته این موضع گیری به هیچ وجه بدان معنا نیست که رژیم جمهوری اسلامی نسبت به اعمال شنیع و ضدبشری خود که به خصوص در زندانهای ایران و درون مراکز نیروهای سرکوب حتی روزانه هم دست از آن برنداشته و در شرایطی که مردمی حاضر به گرفتن روزه نیستند با شلاق روزه خواران این روزها روبه رو شده و نشان می دهند که رژیم ایران جز دست زدن به زور حتی یک روز نیز قادر به باقی ماندن در سطح حاکمیت نبوده و این تنها منطق روز مره آنها می باشد.

این وضع ما را به یاد قرن ۱۹ میلادی می اندازد که امیل زولا نویسنده نامدار فرانسه آن زمان در شرایطی که دستگاه قضائی فرانسه زندگی نکبت بار کارگران معدن را تحمیل نموده و زبان زد عامه شده و در ۱۵ اکتبر ۱۸۹۴ آلفرد دریفوس افسر نیروی دریائی فرانسه به اتهام خیانت توقیف و تبعید شده بود مدعی جدا شدن دین از سیاست از یک دیگر در فراسه شده بود. در ۵ نوامبر ۱۸۹۷ اولین مقاله درباره محکومیت دریفوس را انتشار داد و در اوج معروفیتش در ژانویه ۱۸۹۸ نامه سرگشاده ای به رئیس دادگاه تحت عنوان "من متهم می کنم فرستاد و با ارائه مدارک بی گناهی دریفوس را اعلام کرد. محاکمه دریفوس را غیر قانونی اعلام نمود ولی در ایران حتی ۱۲۰ سال بعد رژیم مستبد به اعتراض کانون نویسندگان در مورد شلاق زنی کارگران معدن طلای "آق دره" در کمال خون سردی نسبت به اعتراض کانون بی توجهی می کند!!

اگر نیروهای سیاسی چپ و مشخصا آنانی که مدعی دفاع از طبقه کارگر و کمونیسم هستند فقط از این مبارزه کارگران، حاضر به آموختن باشند، این درسی برای فراگیری و راهی برای پیش برد مبارزه ای متحد، برای به دور ریختن فرقه گرایی و متحد شدن سریعتر، در آنصورت خواهند دید که باقی ماندن رژیم ظلم و ستم بر سر حکم با توجه به نفرت طبقه کارگر و زحمت کشان و بخش عظیمی از جانب توده ها، نه ناشی از قدر قدرتی رژیم بلکه از پراکندگی و ضعف ماست.

در فایق آمدن به این ضعف آنوقت کارگران و زحمتکشان در مبارزه برای طرد مالکیت خصوصی، ایجاد سوسیالیسم و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در مبارزه علیه برقرار نمودن مناسبات مالکیت خصوصی و متقابلا برقراری دموکراسی شورائی در سراسر ایران و کمک به نظام عادلانه و پیشرفته

های اخیر رژیم جمهوری اسلامی ایران را هم در دو رابطه زیر باید بررسی کرد. فشار جنبش اعتراضی توده ای از پائین و باز گذاشتن دست رژیم اسلامی در سرکوب ها در عرصه بین المللی.

بحران اجتماعی در ایران در حال رشد است اینرا حتی جناح های نزدیک به خامنه ای هم مدت هاست که فهمیده اند. اما بورژوازی ایران قادر نیست که جلوی این بحران را با سرکوب بگیرد بحرانی که از عمق ساختاری این رژیم برمی خیزد و پیوندی ناگسستنی با بحران سرمایه جهانی دارد. سرکوب ها در مقاطعی توانسته است از گسترش آن جلوگیری کند ولی نتوانسته است که از عمیق تر شدن شکاف های طبقاتی در ایران بکاهد. این وظیفه ای است بر دوش کارگران و انقلاب اجتماعی آن، که سیستم سرمایه داری را با تمامی ماحصل هایش مخربش به موزه تاریخ بفرستد.

ع.غ



دست شلاق زنان... بقیه از صفحه اول

"زنده باد کارگران و معلمان و خانواده هائی که امروز با تجمعات خود جنبش تازه پا گرفته علیه امنیتی کردن فعالیتهای صنفی و اجتماعی را قدرت بیشتری بخشیدند". اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۰ خرداد ۱۳۹۵ ویا سندیکای کارگران فلز کار مکانیک در ۹۵ / ۳ / ۱۱ اعلام نمودند: "ما ضمن حمایت از خواسته های جعفر عظیم زاده از همه اعضای سندیکای فلز کار مکانیک و هواداران و دوستداران سندیکایی و حقوقی شهروندی می خواهیم به این اعتراض بپیوندند."

اما به علت پراکنده گی بوجود آمده ناشی از نئولیبرالیسم صداهای اعتراضی تشکلات کارگری نتوانست در سطح جهانی انعکاس مناسب خود را بیابد

گرچه تشکلهای سیاسی در سطح وسیعی در خارج از کشور به حمایت و محکوم نمودن رژیم در ایران اعلامیه های جداگانه ای دادند. اما از حرکت متشکل و متحد کارگران در ایران نیاموخته و فرقه گرایی را ترجیح دادند و به هر صورت حرکت وسیع جهانی و داخلی رژیم را وادار به عقب نشینی نموده و ریعی وزیر کار و تعاون از طریق این که ما خود از شلاق زدن بی خبر بودیم پیشرفته تلاش کرد تا وحشی گری رژیم را توجیه نماید.

پیش به سوی ایجاد ستاد واحد رهبری پرولتاریا

گزارش... بقیه از صفحه اول

گرم و صمیمانه بر گزار شد، نهاد ها و سازمان های شرکت کننده از حقوق یکسان برخوردار بودند، تقریباً همه چیز به خوبی تدارک دیده شده بود و نظم بر کار ها حاکم بود. امید که هر گونه کمبود و نارسایی در حرکت های مشابه در آینده مرتفع گردد. وظیفه خود می دانیم که از تمامی شرکت کنندگان، رفقای که از صبح زود در این اکسیون اعتراضی فعالانه شرکت داشتند و کمیته برگزار کننده این تظاهرات قدرانی کنیم.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری**

**جمهوری اسلامی**

**زنده باد سوسیالیسم**

۱۰ ژوئن ۲۰۱۶



**بجز نوشته هایی  
که با امضای  
تحریریه منتشر  
می گردد و  
بیانگر نظرات  
حزب رنجبران  
ایران می باشد،  
دیگر نوشته های  
مندرج در نشریه  
رنجبر به امضا  
های فردی است  
و مسئولیت آنها  
با نویسندگانشان  
می باشد.**

وضعیت و مبارزه کارگران ایران، بگیر و ببند فعالین کارگری و معلمان، سرکوب تشکل های مستقل کارگری توسط رژیم اسلامی و نقض صریح و فاحش حقوق پایه ای کارگران از سوی رژیم را تشریح می کرد، در بین اعضای هیئت های نمایندگی کشورهای مختلف پخش شد. همچنین صدها نسخه از بولتن دوازده صفحه ای انگلیسی نهادهای همبستگی که حاوی چکیده ای از مبارزات یکساله کارگران ایران، نامه های فعالین کارگری از جمله بهنام ابراهیم زاده و جعفر عظیم زاده و محمود صالحی به سازمان جهانی کار، تشکلات کارگری در ایران، اوضاع جنبش کارگری ایران، دستگیری و تعقیب فعالین کارگری بود بین شرکت کنندگان غیر ایرانی پخش گردید.

دو نفر از فعالین اتحاد بین المللی هنگام پخش بولتن در فاصله دو اجلاس، جلوی درب ورودی سالن کنفرانس با اعضای هیئت قلبی کارگری از ایران به سرپرستی غلامرضا عباسی روبرو شدند و همانجا رو در رو به حضور آنان در کنفرانس اعتراض کردند. آنها با طرح شلاق زدن کارگران معترض در ایران و زندانی کردن فعالین کارگری و اشاره به اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده، انرجار خود را از این اعمال وحشیانه و حکومت ضدکارگر جمهوری اسلامی بیان داشتند.

به نمایندگی از تظاهرات کنندگان، یک هیئت چند نفره، به دفتر سازمان جهانی کار رفتند و پوشه ای شامل ترجمه نامه های سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای نیشکر هفت تپه، ۴ نهاد کارگری و نامه های بهنام ابراهیم زاده، محمود صالحی و جعفر عظیم زاده را که همگی خطاب به اجلاس سازمانی جهانی نوشته شده بودند را در اختیار خانم کورین کورتیس، مسئول امور سندیکائی این سازمان قرار دادند. همچنین نامه اعتراضی ای که از سوی کمیته برگزار کننده تظاهرات-سوئیس خطاب به دبیر کل سازمان جهانی کار نوشته شده بود، به خانم کورتیس داده شد. در این نامه ضمن افشای نقض فاحش حقوق پایه ای کارگران در ایران از جمله نقض کنوانسیون های سازمان جهانی کار توسط رژیم اسلامی، بطور مشخص مداخلات این سازمان با رژیم مورد اعتراض قرار گرفته و درخواست شده بود که هیئت به اصطلاح کارگری رژیم از این سازمان اخراج شود. تظاهرات ۶ ژوئن در مجموع اقدامی به جا و موفق آمیز بود: تعداد شرکت کنندگان بیش از سالیان پیش بود، تظاهرات در محیطی

چین شده بودند. فرامرز توفیقی عضو یکی از این سه تشکل دولتی یعنی مجمع نمایندگان کارگران ماهیت و کارکرد این تشکل های دست ساز و دولتی و "دست آورد" احتمالی این هیئت اعزامی را حتی پیش از آنکه به ژنو گسیل شود، به خوبی اشکار می سازد؛ او می گوید: «می توان بر اساس روال هر ساله حدس زد که این نشست دستاوردی برای کارگران ایران نخواهد داشت» و اقراری کند که: «وقتی در انتخاب اعضای تشکلهای کارگری در سطح واحدهای تولیدی، استانی و کشوری آزاد نیستیم و نهادهای دیگری از بیرون برای کارگران تصمیم گیری میکنند، هر کس دیگری نیز به جز اعضای کنونی به ژنو سفر کنند، دستاوردشان هیچ خواهد بود» و می افزاید: «هر کس در این تشکلهای عضو شود زیر سایه و نظارت وزارت کار و دیگر نهادها بالا می آید و همواره وابسته خواهد ماند. اگر اعتراضی هم بکند، بلافاصله به حاشیه رانده میشود» (وبلاگ تأمین - رسانه قلمرو فاه و بیمه های اجتماعی - ۲۰ خرداد ۱۳۹۵). آری دولتی بودن هیئت اعزامی جمهوری اسلامی به اجلاس سازمان جهانی کار، چنان اشکار است که حتی عضو و اعضای از این تشکلات با اصطلاح کارگری وابسته به رژیم نیز مجبور به اقرار شده اند.

در حالی دست نشانندگان دولتی به نشست ژنوا عزام می شوند، که کارگران ایران علاوه بر تحمل فقر و گرسنگی ناشی از دستمزد های تا یک چهارم زیر خط فقر، در زیر شدیدترین سرکوب امنیتی، تعقیب، زندان و شلاق بسر می برند، از انتخاب نمایندگان واقعی خود و ایجاد تشکل مستقل کارگری محروم هستند و فعالین کارگری تحت پیگرد قرار دارند و با اتهامات گوناگون به زندان محکوم میشوند.

در اکسیون ششم ژوئن در ژنو، علاوه بر دوتشکل نامبرده، برخی دیگر از تشکلهای سیاسی، مدنی و پناهندگان ایرانی نیز در این اکسیون اعتراضی شرکت فعال داشتند. همچنین فعالین سازمانها و احزاب چپ و کمونیست ایرانی در این اکسیون اعتراضی شرکت فعال داشتند. در مجموع تعداد شرکت کنندگان در اکسیون به دو بیست نفر می رسید. از سوی هردوتشکل، بولتن ها و اعلامیه های جداگانه به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و فارسی توزیع گردید: صدها نسخه از بولتن چندین صفحه ای اتحاد بین المللی به زبان انگلیسی و فرانسوی که بطور فشرده

**آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی**



## برای انقلاب کردن... بقیه از صفحه اول:

رویزیونیستی راه سرمایه داری بودند که توانستند از درون حزب کمونیست را تسخیر کنند و سرمایه داری را مستقر سازند.

سقوط اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تأثیرش به همان اندازه شاید هم شدید تر، دنیا را تکان داد با این تفاوت که انقلاب اکثریت نقش مترقی و انقلابی را بازی کرد و سقوط شوروی نقش منفی و سیر قهقرایی را در تاریخ بشریت بجای گذاشت و هنوز هم جنبش انقلابی راستین کارگری در چمبره ی آن گیر کرده است. همانطور که پیروزی انقلاب اکثریت در سراسر جهان صفوف جنبش کارگری را متحدتر و فشرده کرد. سقوط انقلابیون را به پراکندگی و وادادگی و نفی گرایی کشاند. از لحاظ طبقاتی گرایش و عقاید خرده بورژوازی را در جنبش های بزرگ اجتماعی نهادیه کرد. این اولین بار در جنبش ترقی خواه بشریت نبود که سیر قهقرایی را به آن، دشمنان طبقاتی اش تحمیل می کردند. تا آن زمان بارها ستمدیگان و پاره ننگان برخاستند و بارها شکست خوردند و باز هم برخاستند و به مبارزه ادامه دادند. کمونیست ها، مائو یالیستها ی تاریخی هستند که سیر تکاملی تاریخ همچون رشته ای پیوسته دنبال می کنند و روند مبارزه طبقاتی را نه بریده بریده بلکه در پیوند با هم مورد بررسی قرار می دهند.

درست از بررسی چنین روند پیوسته تاریخی است که کمونیستها با جمع بندی درست از مبارزه طبقاتی به این نتیجه رسیده اند در جهان تابحال راه مستقیمی حتی در میزان کوچکی هم در پیشرفت اجتماعی دیده نشده است. جهان در روندی بس بغرنج بویژه در در دوران معاصر که بورژوازی به قدرت رسیده پیش می رود. پس از انقلاب اکثریت کمونیستها بر این باور بودند که دیری نخواهد پایید که کل اروپا را انقلاب فرا می گیرد. اما بورژوازی اروپا با درس گیری از شکست برادران خود در روسیه به شیوه های دیگر به مبارزه علیه کمونیسم ادامه دادند. درس بزرگ بورژوازی از شکست خود در روسیه این بود که در مبارزه علیه کمونیسم باید از ساده گرایی دوری جوید و بغرنج و همه جانبه تر به جنگ برای برانداختن نظام سوسیالیستی جدید بپردازد. بورژوا لیبرال های آزادیخواه قرون قبل با تکامل سرمایه داری به مرحله ی امپریالیستی سیاست لسه فر ( بدون گمرک ) را به فراموشی سپردند و تمام ایده

الهای لیبرالی را که در تدارک برانداختن فنودالیسم و نظام های ماقبل سرمایه داری پراکنده بودند را به خاک سپردند و ترس از انقلابات اجتماعی بخشی به راه سوسیال دمکراسی رو آوردند و بخشی دیگر به سوسیال - ناسیونال و سوسیال امپریالیستی. همه این گرایشات بورژوازی به قدرت رسیده به بغرنجی او ضاع و پیچیدگی روند تاریخی بشریت افزوده است. از سوی دیگر پرولتاریای پیروزمند کشور شوراها هم با توپ های آزادیبخش انقلاب اکتبرجهان خاور را از خواب خرگوشی بیدار کرد و توده های وسیع ستمدیگان جهان را به متحدان اردوگاه طبقه کارگر افزود و این خود بازم بیشتر به روند بغرنج مبارزه طبقاتی تار و پود جدیدی افزود. کمونیست های باختر باید طبق شرایط مشخص جامعه ی خود اصول مارکسیسم را تلفیق دهند.

پس از گذشت بیش از یک قرن ونیم که در مانیفست حزب کمونیست روند تاریخی مبارزه طبقاتی را به روشنی مطرح ساخت : تاریخ مبارزه طبقاتی است.

جامعه نوین بورژوازی، که از درون جامعه زوال یافته فنودال بیرون آمده، تضاد طبقاتی را از میان نبرده است، بلکه تنها طبقات نوین، شرایط نوین جور و ستم و اشکال نوین مبارزه را جانشین اشکال و شرایط کهن ساخته است.

ولی دوران ما، یعنی دوران بورژوازی، دارای این صفت مشخصه است که تضاد طبقاتی را ساده کرده است: سراسر جامعه بیش از پیش به دو اردوگاه بزرگ متخاصم، به دو طبقه بزرگ که مستقیماً در برابر یکدیگر ایستاده اند تقسیم میشود: بورژوازی و پرولتاریا چنین است آموزش اساسی ماتریالیسم تاریخی. بغرنجی روند تاریخی در دوران ما بهیچوجه اساس این نظریه را تغییر نداده است. در نظام سرمایه داری کنونی قوانین اساسی آن همچنان حاکم است و انگیزه سرمایه دار برای سود بیشتر و در نتیجه استثمار بیشتر کارگران، تغییر نکرده است. امروزه هم در پشت تمام گرایشات سیاسی طبقات و منافع طبقاتی دیده می شود قرار دارند و تحلیل طبقاتی و دریافت صف آرایی طبقاتی در هر جامعه و در هر مرحله ی تاریخی کلید اساسی شناخت برای تعیین خط مشی سیاسی پرولتاریاست.

اهمیت آموزش های شاهرخ زمانی در و تاکید او روی طبقه کارگر، روی ایجاد حزب کمونیست، شکل های مستقل کارگری و سراسری کردن آنها و در

عین حال بکاربردن این دو تشکل برای سازماندهی عظیم ترین جبهه توده ای از جنبش های اجتماعی در اینست که در این زمان و با موضع گیری قاطع علیه انحرافات رویزیونیستی

مطرح می سازد. این نقطه نظر ها کلاسیک هستند و چیز تازه ای نیستند. گفتش توسط شاهرخ زمانی از درون زندان های مخوف رژیم جمهوری اسلامی با آگاهی به اینکه دشمنان طبقاتی اش او را خواهند کشت و او موقتاً به رفقایش در بیرون که دلواپس جان او هستند می گوید در زندان هراسی از جان دادن در راه طبقه اش ندارد و در عمل به رد تئوری بقا می پردازد دارای اهمیتی تاریخی است. او همراه رفقایش به جنبش موجود کمونیستی به پراتیک سه دهه اخیر تشکل های مدعی حزب کمونیست بودن و رهبری طبقه کارگر را داشتن می گوید راهی که

تابحال پس از عقب نشینی به خارج کشور کرده اید نتوانسته پاسخ گوی نیازمندی جنبش عظیم در حال رشد طبقه کارگر باشد. او نه در نفی آنها بلکه در مخاطب قرار دادن آنها و با تاکید روی نقش آنها در حرکت به جلو در سازماندهی حزبی واقعا انقلابی در درون جنبش جاری کارگری از آنها می خواهد دست به نوسازی زنده و قاطعانه فرقه گرایی و خود مرکز بینی را کنار زنند. در جنبش کنونی کارگری که هر روز در حال رشد است تخم نفاق و سکتاریسم را پراکنده نکنند و فکر علم و دکل گروه خود نباشند بلکه یک پرچم و یک راه مشترک طبقه را دنبال کنند. کاری که خود شاهرخ زمانی پس از جدا شدن از حزبی که بدان تعلق داشت در پیش گرفت. اهمیت نظر شاهرخ در جای دیگری هم نهفته است. تجربه اولین سازماندهی پرولتاریا برای ساختمان سوسیالیسم در عین حال که دستاوردهای بزرگی داشت اما چون در رهبری احزاب موجود کمونیست پویندگان راه خرده بورژوازی و بورژوازی تدریجاً تسلط یافتند و یا انقلابیونی بودند که سپس در نیمه راه تغییر ماهیت دادند و به پرولتاریا و راهش خیانت ورزیدند آموزش های اساسی کمونیسم علمی با تبلیغات وسیع اپورتونیستها و رسانه های عظیم بورژوازی تحت عنوان اسنالیسم و پل پتیسم زیر سوال قرار گرفته است شاهرخ زمانی با هوشیاری و آگاهی به کمونیست های پراکنده در سراسر جهان می گوید: کجا بید

معبود من آنجاست بیا بید اهمیت آموزش های شاهرخ زمانی در اینست که تاکید می کند هر نظریه ای که در اشک تمساح ریختن برای طبقه کارگر



## ناتو دست به اقدام بزرگترین مانور نظامی ضد روسی پس از زمان جنگ سرد زده است

توسط الکس لنتییر، ۷ ژوئن ۲۰۱۶، وب سایت جهان سوسیالیستی روز گذشته تنش های نظامی در اروپا افزایش یافت، در حالیکه ناتو دست به اقدام عملیات اناکوندا، یعنی بزرگترین مانور نظامی ناتو در شرق اروپا یک ربع قرن پس از پایان جنگ سرد زد، زمانیکه اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ از هم فروپاشید.

تعداد ۳۱۰۰۰ نیروی نظامی، ۳۰۰۰ وسایل نقلیه، ۱۰۵ هواپیما و ۱۲ کشتی جنگی بر اساس یک سناریوی وقوع جنگ بین ناتو و روسیه، که یک قدرت هسته ایست، در حال شرکت در بازی جنگ می باشند. مقامات دفاعی اروپا در ورشو خاطر نشان کردند، سناریو ای که در این عملیات وجود دارد، « یک اشتباه، یک اشتباه محاسباتی که روس ها به عنوان یک عمل تهاجمی استنباط می کنند، یا بخواهند استنباط کنند می باشد. »

بزرگترین نیروی نظامی در این مانور ها، ۱۴۰۰۰ سرباز آمریکائی، ۱۲۰۰۰ نفر از لهستان و حدود ۸۰۰ نفر از انگلستان و هم چنین نیروهای دیگر، از جمله از کشورهای غیر ناتو. آنها تحت فرماندهی نایب ژنرال مارک تاماسزکی قرار دارند.

عملیات آناکوندا یک اقدام تحریک آمیز گسترده است، بطور مؤثر برابر است با آخرین تمرین عملیات برای مداخله ناتو در روسیه. در این تمرین، برای اولین بار پس از تهاجم نازی به لهستان و اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ جهانی دوم، تانک های آلمان در سراسر لهستان از غرب به شرق عبور می کنند.

با بی مبالاتی گیج و متناوب، مقامات ناتو در حال راه اندازی تمرینات خطرناکی در نزدیکی خاک روسیه هستند، حتی هم چنانکه تحلیل گران امنیتی اذعان می کنند، این وضعیتی را ایجاد می کند که جاییکه محاسبات غلط می تواند به جنگ بین روسیه و ناتو منجر شود. به گزارش گاردین بریتانیا، « کارشناسان دفاعی هشدار می دهند که هر گونه اشتباهی می تواند یک واکنش تعرضی سریع از مسکو صورت گیرد. » روزنامه روزانه از مارسین زبوروسکی، که یک مقام رسمی از

اصولی کمونیستی یعنی تلفیق با شرایط مشخص بکار برند. ادامه دارد

وفا جاسمی



به تارنما های اینترنتی  
حزب رنجبران ایران  
مراجعه کنید  
و نظرات خود را  
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران  
[www.ranjbaran.org](http://www.ranjbaran.org)

سایت آینه روز  
[www.ayenehrooz.com](http://www.ayenehrooz.com)

سایت خبرنامه کارگری  
[www.karegari.com](http://www.karegari.com)

سایت رنجبر آنلاین  
[www.ranjbaran.org/01\\_ranjbaronline](http://www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline)

سایت آرشیو روزنامه رنجبر  
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

و باصطلاح در دفاع از کمونیسم عملا به نفی گرایی و لجن پراکنی به جنبش کمونیستی و سوسیالیسم تاحال موجود می پردازد، دست رد می زند و آنرا انحلال طلبی و نوآوری اپورتونیستی می نامد، باید قاطعانه با آن مبارزه کرد. او از پشت میله های زندان با درایت کامل و با نشانی و آدرس روشن از این انحرافات نام می برد و روی بانی های آن با اسم انگشت می گذارد. بگذارید بار دیگر از او نقل کنیم:

« وجود انحرافات عمیق درون جنبش کارگری در اشکال اکونومیستی \_ فرقه گرایی \_ سوسیال دمکراسی \_ اعتقاد به رشد و اعتلای خود بخودی و..... همه در هیئت مشترک انحلال طلبانه و عاجز از پیوند زنده و مبارزه جویانه با جنبش مبارزاتی کارگران از شکل گیری حزب سیاسی سراسری کارگران بعنوان ستاد فرماندهی جنبش انقلابی در سرنگونی نظم موجود و ایجاد حاکمیت شورایی کارگران جلوگیری می کند »

در دوران ما و در شرایط کنونی جنبش کارگری ایران و جهان، چه نوع اپورتونیسمی جریان عمده را تشکیل می دهد و برای غلبه بر انحرافات موجود در چه زمینه هائی باید تمرکز دهیم؟ اولین نکته برای شناخت انحراف عمده جاری در جنبش کمونیستی باید به شناخت از دوران تاریخی در حال گذار کنونی بپردازیم. در این زمینه اپورتونیسم بسیار اغتشاش فکری بوجود آورده و باید با قاطعیت با آن خط کشی کرد. نظرات ایدئولوگ های بورژوازی چون " پایان تاریخ " و " بر خورد تمدن ها " به درون جنبش کارگری هم راه یافته و اپورتونیسم موجود تا زیر سوال بردن وجود طبقات و مبارزه طبقاتی پیش رفته است. ما بر اساس واقعیات موجود و تسلط یکپارچه سرمایه داری و بازگشت کشورهای سوسیالیستی به جرگه سرمایه داری - سوسیال - امپریالیستی بر این نظریه که ما هنوز در دوران انقلابات پرولتاریای قرار داریم. این بدان معناست تنها انقلابی مترقی و در جهت رهائی بشریت است که طبقه کارگر آنرا رهبری کند و هدف مرحله آن تحقق برنامه سیاسی پرولتاریا باشد. انقلابات سوسیالیستی در مقیاس جهانی در دستور است. کلیه تغییرات جهان در پس از پیروزی انقلاب اکثر و انکشاف جهان سرمایه داری خصلت دوران را تغییر نداده است. بهمن دلیل اصول اساسی کمونیسم علمی همچنان به قوت خود باقی است و کمونیست ها باید این اصول را با سبک



عملیات آناکوندا روشن می‌سازد، این بخشی از طرح جامع روسیه برای تسخیر اروپا نبوده و نیست، اما یک تحریک بی‌رحمانه و تهاجمی ناتو به منظور منزوی ساختن روسیه از نظر استراتژیک می‌باشد.

این به هیچ وجه این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که آلیگارش‌های سرمایه‌داری روسیه در کاخ کرملین از نظر سیاسی ارتجاعی هستند. عاجز و متخاصم برای بسیج مقاومت در برابر جنگ در میان طبقه کارگر بین المللی، آنها در جست و جوی یک هم‌سازی با قدرتهای امپریالیستی و تحدید آنها با قدرت نظامی روسیه مردد و در نوسانند.

به خصوص هم‌چنانکه روسیه بیشتر با رژیم‌های جنگ طلب و جناح راست در لهستان، اوکراین و دورتر در صحرای اروپای شرقی، حمایت شده توسط واشنگتن و متحدان ناتویی آنها مواجه است. یک چنین تهدیدهایی به سادگی خطر جنگ هسته‌ای را تشدید می‌سازد.

رژیم جناح راست در لهستان به خصوص از عملیات نظامی آناکوندا برای افتتاح ۳۵۰۰۰ نیروی قوی شبه نظامیان ارضی ناسیونالیستی که بعد از بیرون کردن یک چهارم ژنرال‌های کشور در اکتبر گذشته به قدرت رسید، بر پا کرده بود، استفاده می‌کند.

استقرار نیروها درست در میان افزایش تنش بین اروپا و دولت لهستان صورت می‌گیرد که تلاشی برای به حاشیه راندن دادگاه قانونی این کشور بوده است. در تاریخ اول ژوئن، کمیسیون اتحادیه اروپا حکمی را صادر کرد که خواستار «گام‌های مشخص برای حل و فصل خطر سیستماتیک در حاکمیت قانون در لهستان شد.»

شبه نظامیان منطقه‌ای ظاهراً با نگرانی در ارتش لهستان و در محافل بین‌المللی ناتو مشاهده شده است. روزنامه گاردین، از «متخصص دفاع غربی» که نامش ذکر نشده عنوان کرد و گفت: «لهستان از نظر بین‌المللی خیلی مورد ملاحظه و توجه قرار می‌گیرد. در ۱۵ سال گذشته، آنها مقدار زیادی پول هزینه کردند و یکی از بهترین ارتش‌ها را در منطقه ایجاد کردند.... این روشن نیست چیزی که دولت تصور می‌کند، نیاز دارد آنرا بهتر کند.»



سران دولتهای ناتو در روزهای هشتم و نهم ژوئیه در ورشو صورت می‌گیرد که انتظار می‌رود استقرار نیروهای ناتو در منطقه بال تیک از جمله در اوکراین، گرجستان و قفقاز بیشتر تشدید یابد.

۲۵ سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مفهوم و نتیجه مصیبت آمیز ژئوپولیتیک این رویداد حتی در حال حاضر بیشتر مشهود است. طرد چیزی که مبلغین سرمایه‌داری در دوران قبل به نام «تهدید کمونیست» گوش همه را پر می‌کردند، دیدیم که به یک گلستانی از صلح و رفاه تحت حمایت و نظارت سرمایه‌داری اروپا منجر نشد. در عوض، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو، کشورهای اروپای شرقی را باز گذاشت به سوی دسیسه و توطئه امپریالیستی و توطئه جنگ توسط واشنگتن و متحدان اصلی آن در اروپا.

اطمینانی را که ناتو ده سال قبل به روسیه داد که منافع استراتژیک آن هرگز مورد تحدید قرار نمی‌گیرد، ثابت شد که تماماً بی‌ارزش بوده است. تصویب نامه قالب ریزی شده میان ناتو و روسیه در سال ۱۹۹۷، مطرح می‌کند: «در محیط امنیتی فعلی و قابل پیش‌بینی، پیمان بین دول ناتو دفاع جمعی و مأموریت‌های دیگر با تضمین قابلیت همکاری لازم، ائتلاف، و قابلیت برای تقویت و نه توسط استقرار دائمی نیروهای رزمی اضافی پیش برده خواهد شد.»

در عوض، هم‌چنانکه ناتو کشورهای سراسر اروپای شرقی را جذب خود کرد، آنچه که ظهور یافت گسترش مداوم جنگ ناتو و نیروهای رزمی در سراسر این قاره بود. از جنگ‌های خونین بالکان، ناتو در یوگسلاوی سابق در سال‌های ۱۹۹۰ و جنگ مختصر سال ۲۰۰۸ که گرجستان بی‌پروا و بی‌اعتناء علیه روسیه با پشتیبانی ایالات متحده اقدام کرد، مداخله در حال حاضر به نقطه‌ای رسیده و افزایش یافته که روسیه تحت محاصره قرار گرفته و بطور مستقیم با حمله یا تهدید روبرو شده است.

این ادعا که تشدید اقدام قانونی اخیر ناتو پاسخی است به تغییر در محیط امنیتی اروپا به دلیل تجاوز روسیه در اوکراین، یک حیل و شیادی سیاسی است. جنگ در اوکراین با تلاش‌های خشونت آمیز برای سرنگونی دولت مستقل تحریک شده بود، یعنی توسط نیروهای شبه نظامی فاشیستی جناح راست و حمایت شده توسط سازمان جاسوسی "سیا" و سرمایه‌های اروپایی که یک دولت طرفدار روسیه در کیف را در سال ۲۰۱۴ سرنگون ساخت. هم‌چنانکه وضعیت نظامی جاری با

مرکز تحلیلات سیاست اروپا ست، نقل می‌کند، هم‌چنانکه اعتراف می‌کند، وضعیت بین‌المللی پیرامون عملیات آناکوندا، «وخیم و مصیبت‌ناگهانی هر آن می‌تواند رخ دهد.»

مقامات روسی به شدت در برابر افزایش فعالیت‌های ناتو در مرزهای روسیه از خود واکنش نشان دادند. تمرینات در لهستان با ۵۰۰۰ از نیروهای ناتو تحت کد عملیات گرگ آهین در لیتوانی، بزرگترین استقرار نیروهای ناتو در لیتوانی در چند سال گذشته، و هم‌زمان با تمرین‌های نظامی ناتو در لاتویا، که یکی دیگر از جمهوری‌های بال تیک در مرز روسیه است، می‌باشد.

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در مسکو اظهار داشت: «ما پنهان نمی‌کنیم که ما یک نگرش منفی نسبت به مسیر ناتو در جهت حرکت زیرساخت‌های نظامی خود در مرزهای ما دارد، یعنی درگیر کردن دیگر کشورها بسوی فعالیت‌های واحد نظامی.» او هم‌چنان خاطر نشان ساخت، «این حق حاکمیت روسیه را فعال خواهد کرد به این منظور که امنیت خود و روش‌هایی که برای خطرات امروز مناسب هستند تدارک ببیند.»

الکساندر گروشو، نماینده دائم روسیه در ناتو دیروز گفت که مسکو فعالیت‌های نظامی ناتو را در منطقه از نزدیک دقیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. منابع نظامی روسیه اشاره کردند که آنها در پاسخ به این تمرین‌های نظامی ناتو سه لشکر را به نزدیکی مرزهای غربی روسیه گسیل خواهد کرد، احتمالاً ۱۰۰۰۰ نیروی واحد تفنگ‌دار موتوری در هر لشکر.

عملیات آناکوندا دست به دست ایالات متحده و ناتو با هدف محاصره کل مرزهای غربی روسیه، از بالتیکو اروپای شرقی تا بالکان انجام می‌گیرد. ماه گذشته مقامات ناتو یک پایگاه موشکی در دوسیلو، واقع در رومانی برقرار کردند، و شروع به برقراری همین پایگاه در ردژیکووا، واقع در شمال لهستان کردند.

دیروز ناوشکن یواس اس پورتر مجهز به موشک‌های هدایت‌شونده آمریکا از طریق تنگه بسفر به دریای سیاه با موشک‌های تقویت شده جنگ افزار وارد شد - یک سال قبل نیز یک کشتی جنگی مشابه آمریکا، یواس اس، راس در دریای سیاه تقریباً آب‌های دریائی روسیه را نقض کرده، یک حالت مقابله به مثل با رقیب هم‌تراز ش، هواپیماهای روسیه را برانگیخت.

همه این اقدامات تهاجمی قبل از نشست



در جنبش جهانی ... بقیه از صفحه آخر

اما صندوق بین المللی پول و سایر نهادهای سرمایه مالی جهانی حاضر به پرداخت پول در ازای تسلیم کامل منافع این کشور بودند. بورژوازی ملی که توسط اس-سی-ام و متحدان آن نمایندگی میشد، به روشنی علاقه ای بدان نداشته و با انجام مناقصه ها با غرب، تلاش جهت بدست آوردن مطلوب ترین شرایط تسلیم برای خود شدند.

در همین حال، وضعیت اقتصادی به سرعت بدتر شد و قبل از امضای توافقنامه انجمن با اتحادیه اروپا، کرملین آلترناتیوی را به کیف پیشنهاد کرد مبنی بر اینکه انجمن را رها کرده و به سوی فدراسیون روسیه تغییر جهت دهد و ۱۵ میلیارد دلار وام با نرخ بهره کم دریافت کند. باند یانوکوویچ علیرغم ۳ سال تبلیغات گسترده تهاجمی به نفع ادغام با اروپا این پیشنهاد را پذیرفت. با وجود تمام نصایح شخصی رهبران اروپا (از جمله آنگلا مرکل صدراعظم آلمان)، توافقنامه امضا نشد.

این برگشت دراماتیک یک عامل مهم در پیشرفت های بعدی بود. که بخش فعال سیاسی جامعه، با وجودیکه طرفدار تبلیغات مثبت برای اروپا محسوب میشد، نمی توانست امتناع تلخ از "راه اروپا" را توسط نخبگان حاکم بپذیرد. در کیف و دیگر شهرهای مهم، آنها ظاهر شده و شروع به رشد "یورومیدنز" (موج تظاهرات در پشتیبانی از "راه ادغام با اروپا") کردند، تظاهرات توده ای در حمایت از "راه". این فعالیت ها بلافاصله از جانب کشورهای غربی در اشکال سازمانی، مالی و سیاسی حمایت می شدند، و به رهبری راست و بورژوازی نیروهای "اپوزیسیون"، به طرز ماهرانه ای علیه سیاست های دارو دسته یانوکوویچ و جنایات آن ب اغتشاش کارگری را هدایت کردند.

رژیم به زودی اقدامات اجرایی در مقابله با این تظاهرات صورت داد، و در عرض یکماه جنبه مبارزه بر علیه رژیم به عنوان یک کل را کسب کرد. دستکاری ماهرانه "رهبران میدان"، با خلق و خوی واقعی اعتراض توده ها ممزوج شد، گسترش تظاهرات به سرنگونی رژیم منجر شد. این وقایع در ذات خود برخی از ویژگی های انقلاب دموکراتیک ملی علیه حکومت الیگارشسی سرسپردگان اس - سی - ام بود. اما از رهبران راست و پوپولیستی انتظار می رفت که بلافاصله قدرت را در

این کشور در دست خود بگیرند. پس از ۳ ماه، انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری توسط پترو پوروشنکو، یکی از بزرگترین الیگارشسی های ملی، که فقط چند سال قبل برایش عارنوبود که وزیر دولت یانوکوویچ باشد. حالا او خود را به عنوان یک مبارز علیه رژیم سابق برای "آینده اروپایی کشور" معرفی می کرد.

اما روسیه، که در سطح محلی در مبارزه برای اوکراین شکست خورده بود، بلافاصله با شورش الهام بخش مسلحانه در کریمه منطقه خودمختار، که از همان ابتدا به طور مستقیم توسط سربازان روسی پشتیبانی می شد بدان پاسخ داد. نتیجه یک اشغال نظامی و عملاً الحاق کریمه که منجر به وخامت شدید شرایط زندگی جمعیت آن بود. علاوه بر این، در ماه های مارس و آوریل ۲۰۱۴، با کمک مبارزین از پیش آموزش دیده و با تبلیغات دروغین، مسکو تصرف ادارات دولتی در شهرهای مهم مناطق دونتسک و لوگانسک را تحریک نمود. این مناطق تنها به این خاطر انتخاب شده بودند که در اینجا نفوذ اداری رژیم سرنگون شده بالاترین و تقریباً کل آن بود. به همین دلیل، نیروهای مسلح محلی در برابر کسانی که نهادهای دولتی را تصرف کردند مقاومت نکرد.

در مقابل چنین پیشینه ای مقامات جدید کیف تصمیم گرفتند "فعالیت ضد تروریستی" ای را شروع کنند. عملیات در دونیس علیه شورشیان طرفدار روسیه. "فعالیت ضد تروریستی" سریعاً با مقاومت سازمان یافته همراه با تجهیزات کامل تمامی منابع از جانب روسیه روبرو شد. در ماه اوت سال ۲۰۱۴، بخشی از نیروهای مسلح روسیه به دونیس آمد، عمدتاً، به اصطلاح گردان رزمنده تاکتیکی از طیف گسترده ای از واحد های منظم انتخاب شده بود. از پاییز ۲۰۱۴ خط مقدم در کل از ثبات برخوردار بوده و کماکان تا به امروز همچنان باقی مانده است. هر دو طرف به بسط نیروهای نظامی مشغولند، شورشیان طرفدار روسیه همه نوع پشتیبانی از روسیه دریافت می کنند و واحدهای نظامی آنها توسط نیروهای مسلح روسیه و افسران فعلی فرماندهی میشوند.

در نتیجه، نیروی کار و زحمت ما قربانی مبارزه مراکز مختلف امپریالیستی بر سر نفوذ در اوکراین و منابع آن می باشد. از یک طرف، کارگران بخش عمده کشور در معرض تبلیغات رسمی هستند، توجه آنان از مشکلات فوری اجتماعی به ایده های ناسیونالیستی که با منافع واقعی طبقاتی کارگران بیگانه می باشد، منحرف شده است.

در نتیجه، احساسات راست روانه در جامعه افزایش یافته، و همچنین گرایش راست و نیروهای راست افراطی تقویت شده اند. این است "جناح راست"، آزادی و دیگر سازه ها کمتر مؤثر است. کمونیست زدائی راه اندازی شده است که بر اساس آن استفاده از نمادهای کمونیستی ممنوع است. علاوه بر این به جوخه های داوطلب واقعی، تعدادی "رزمندگان" الیگارشسی بوجود آمدند که توسط سرمایه بزرگ تأمین شده و در خدمت منافع مستقیم همراه با ماهیت تضاد تجاری آن عمل می کند. در این کشور مشاوران نظامی غرب و متحدان آن، از ایالات متحده آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا، اسرائیل و دیگران وجود دارند.

یک بخش از این فرآیند، خیزش صادقانه میهن پرستانه در میان توده ها، که بر ضد تجاوز خونین روسیه ورژیم دست نشانده دونیس می باشد. این افزایش، در میان چیزهای دیگر، در کمک جنبش داوطلبانه به خط مقدم بیان می شود، تنها بخشی که با نیروهای جناح راست سیاسی مرتبط است. علاوه بر این، در بخش اشغالی دونیس مقاومت چریکی مردمی علیه دسیسه گران محلی طرفدار کرملین در حال رشد است. متأسفانه، این وطن پرستان صادق به ندرت طرف دیگر این موضوع، امپریالیسم غرب و رژیم فاسد در کیف را می بینند، شعارهای میهن پرستانه و حتی ضد امپریالیستی فقط ادای احترام به مصلحت سیاسی و منافع خودخواهانه مبدل می شود.

به نوبه خود، طبقه کارگر دونیس و کریمه تحت تأثیر ۲ سال تبلیغات امپریالیستی شدید کرملین، که توهم "خود مختاری ملی" و "مبارزه ضد فاشیستی" را ایجاد کردند، قرار داشته اند. در واقع، نیروهای طرفدار مسکواز روش های فاشیستی بهره می گیرند که به نوعی دیکتاتوری های نظامی ارتجاعی در سراسر جهان استفاد می کنند. سربازان ارتش منظم رژیم پوتین و گروه های مسلح محلی طرفدار روسیه مرگ و نابودی را به کشور ما و مردم کارآورده اند. بخشی از اوکراین اشغال شده توسط این نیروها به یک منطقه بی قانون و ترس، که در آن راهزنان مسلح حاکم هستند، که اغلب گذشته جنایی نیز دارند. کارگران به اعتصابات و تظاهرات می روند، اما این اقدامات به شدت توسط حکومت نظامی محلی سرکوب شده و مانع صدها نفر از معترضان می شود. چشم پوشی از این همه جمع رویونیستهای "نیروهای چپ"، مانند سی - پی - یو یا وی کی پی بی

## زنده باد انترناسیونال پرولتری





همچنین گروه ارادی و / یا گروه های تروتسکیستی مانند بوروتبا به طور مستقیم و یا مخفیانه از اقدامات مسکو، منجمله تجاوز نظامی و به دنبال آن کمپین روابط عمومی در مقیاس بزرگ پشتیبانی می کنند. ما مارکسیست-لنینیست های اوکراین قاطعانه علیه تمام اشکال تجاوز امپریالیستی در کشور مان می باشیم. ما از رفقای خود در تمام کشورها می خواهیم این نظرها که برخی امپریالیستها می توانند "بهتر" از دیگر امپریالیست ها باشند نپذیرند. امپریالیسم و سرمایه داری همواره جنگ و رنج است. آرمان های کارگران اوکراین به دنبال هیچ نوع تبلیغات بورژوازی نمی رود مبارزه برای حقوق واقعی، برای دستمزد مناسب و معقول و حمایت اجتماعی کافی، برای استانداردهای بالاتری برای زندگی. و، البته با برخورداری از حق بدون جنگ زندگی کردن، در آرامش و خارج از پوسته سخنان دروغ از کرملین و یا بورژوازی غرب! **مرگ بر کلیه مهاجمان امپریالیستی!**  
**زنده باد انقلاب سوسیالیستی!**  
**کارگران تمام کشورها، متحد شوید!**  
**شورای KSRD اوکراین**



از سایت زبان های خارجی  
(انگلیسی - آلمانی)  
حزب رنجبران ایران  
دیدن کنید!

[http://www.ranjbaran.org/01\\_english](http://www.ranjbaran.org/01_english)

به تارنما های  
اینترنتی حزب  
رنجبران ایران  
مراجعه کنید و  
نظرات خود را در  
آنها منعکس کنید!

پرسش و پاسخ ... بقیه از صفحه آخر

به اسرائیل در شصت و هفت سال گذشته ( از اورشلیم شرقی در مرکز خاک فلسطین گرفته تا ارتفاعات جولان در سوریه، شبه جزیره سینا در مصر، منطقه الشبایب در جنوب لبنان و نوار غزه و ساختمان سکونت گاههای غیرقانونی بعد از اخراج فلسطینی ها از خانه های خود، در اورشلیم شرقی و دیگر نقاط ساحل غربی ) بیرون کشید.

- ایدئولوژی و استراتژی استعمار فلسطین و دیگر مناطق خاورمیانه بزرگ توسط رهبران دولت اسرائیل از یک نوع راسیسم علیه خلق های خاورمیانه ریشه می گیرند که پیشینه اش به گفتن های رایج در اروپای ربع آخر قرن نوزدهم می رسد. بر اساس این نژاد پرستی آنتیکی (تباری) صهیونیست ها از زمان رهبری تئودور هرتسل در اوایل قرن بیستم تاکنون ( بنیامین نتنیا هو در ۲۰۱۵ ) نه تنها حاضر به پذیرش خلق های خاورمیانه به عنوان ملت ها نیستند بلکه در اسناد محرمانه امنیتی و حتی مدارک رسمی دولتی منکر حق تعیین سرنوشت ملی بویژه برای فلسطینی هستند. بر اساس انگاشت و آموزش های صهیونیستی، دولتمردان اسرائیل خلق های خاورمیانه بویژه اعراب را، نه ملت ( و ملت ها ) بلکه معجونی از طوایف تحت عناوینی چون مسلمانان سنی و شیعه، مسیحی های مارون، دروزها، بهائی ها و... محسوب می دارند. این ایدئولوژی که حداقل نزدیک به دو قرن برعقول و برنامه های استعماری هیئت های حاکمه کشورهای استعمارگر و امپریالیستی اروپای غربی بویژه در فرانسه و انگلستان، حاکم بود به تدریج با فراز امواج خروشان جنبش های رهاییبخش در دو مرحله تاریخی بین دو جنگ جهانی (۱۹۳۹ - ۱۹۱۸) و سپس در سال های "عهد باندونگ" و "جنبش غیر متعهدها" در نیمه دوم قرن بیستم با فرتوتی و تضعیف همراه با رسوائی در کشورهای سه قاره روبرو گشته و بالاخره با افول رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، به پایان عمر خود رسید. امروز تنها دولتی که رسماً معتقد است که مردمان کشورهای سه قاره معجونی از طوایف و قبایل بوده و لذا نمی توانند حق تعیین سرنوشت ملی داشته باشند همانا ایدئولوژی صهیونیسم حاکم بر دولت راسیستی اسرائیل و بخشی از نئوکان های حاکم در درون راس نظام) آمریکا) هستند.

- بدون تردید موفقیت این ایدئولوژی و استراتژی نمی توانست بدون حمایت

قدرتمندترین کشور امپریالیستی تعبیه و تنظیم و پیاده گردد. در نتیجه از زمان ایجاد کشور اسرائیل در ۱۹۴۷ توسط سازمان ملل متحد تا اواسط دهه ۶۰ میلادی، دولت اسرائیل به عنوان وسیله ای وابسته به امپریالیسم انگلستان در خاورمیانه اندیشیده و عمل می کرد. ولی بعد از افول قدر قدرتی انگلستان و جابجائی آن با موقعیت هژمونیکی آمریکا در دوره جنگ سرد دولت اسرائیل بویژه بعد از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به یک وسیله مطمئن در اختیار آمریکای هژمون، قرار گرفت. امر وابستگی اسرائیل به امپریالیسم آمریکا در این پنجاه سال گذشته از سوی هیچ نهاد و جناحی در درون رژیم صهیونیستی زیر سؤال قرار نگرفته است. تنها استثناء احتمالی شاید اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل در سال های آخرین دهه ۹۰ میلادی قرن بیستم باشد. رابین که معتقد به ایجاد دو کشور اسرائیل و فلسطین در کنار هم به عنوان راه حل مسئله فلسطین بود، بعد از انعقاد قرارداد اوسلو با همیاری و موافقت یاسر عرفات در جهت استقرار دو کشور دست به اقدامات مربوط زدند. اما رابین در سال ۱۹۹۱ بطور اسرارآمیزی ( که تا کنون سازمان های امنیتی - جاسوسی آمریکا و اسرائیل چرائی و چگونگی آن را فاش نساخته اند )، ترور شد. یاسر عرفات نیز ده سال پیش ( ۲۰۰۵ ) بطور اسرارآمیزی مسموم گشت. در یک کلام روابط همه جانبه راس نظام با رژیم صهیونیستی اسرائیل بویژه در پنجاه سال گذشته ( از پایان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۷ تا کنون ۲۰۱۵ ) به روشنی نشان می دهد که اسرائیل دارای یک موقعیت کلیدی در استراتژی جهانی آمریکا می باشد. با اینکه اسرائیل عضو رسمی سازمان نظامی ناتو و یا جزو کشورهای جی۷ ( کشورهای پایگاهی امپریالیسم سه سره نظام )، نیست اما عملاً و به طور دفاکتو اصلی ترین عضو و متحد آمریکا به ویژه در خاورمیانه محسوب می شود.

#### نتیجه اینکه

- با اینکه تا سال های اخیر این چنین استنباط می گشت که آمریکای هژمون هرگز از حمایت بی قید و شرط خود از اسرائیل استعمارگر منصرف نخواهد گشت ولی اوضاع روبه رشد در جهان فعلی ( بروز و گسترش تنش های جدی در بین کشورهای اتحادیه اروپا و احتمال وقوع پولاریزاسیون در درون آن از یک سو و فراز همکاری ها و همبستگی ها در بین سازمان های بین المللی بریکس، گروه شانگهای، گروه

قراردادهای موقت و سفید امضاء باید به فوریت متوقف شود



یورو آسیا و... بر علیه گلوبالیزاسیون به مدیریت آمریکا از سوی دیگر ( نشان از علانمی دارند که در پرتو بررسی آنها می توان ادغان کرد که پایه های اصلی روابط پر از حمایت همه جانبه آمریکا از اسرائیل در خاورمیانه و آفریقا در حال تضعیف و فروپاشیدگی است. در تحلیل نهائی می توان گفت که عصر یکه تازیها و موقعیت هژمونیکی آمریکا نه تنها در خاورمیانه بلکه در دیگر مناطق سوق الجیشی و ژئوپولتیکی جهان منجمله در اروپای آتلانتیک نیز می رود به پایان خود برسد.

پرسش یازدهم

- به نظر شما چرا و چگونه خاورمیانه بزرگ و هم چنین آفریقا به این اندازه در محاسبات استراتژی جهانی نظام سرمایه در بیست و پنج سال گذشته اهمیت پیدا کرده است؟ در چهارچوب این اوضاع پر از تلاقی و آشوب بویژه در خاورمیانه آینده خلق های خاورمیانه و دیگر خلق های کشورهای در بند پیرامونی را چگونه ارزیابی و پیش بینی می کنید؟

پاسخ

- در اوضاع فعلی می توان گفت که خاورمیانه بزرگ بویژه کشورهای عربی درون آن آسیب پذیرترین و آسیب دیده ترین منطقه در روی کره خاکی است. این منطقه و دولت های حاکم در آن در حال حاضر قادر نیستند که بهر نحو و شکلی به چالش ها و بلایای منبعث از بحران ها و تلاطمات خاتمان برانداز ، پاسخ داده و راه حل عبور از آن ها را تعبیه و تنظیم سازند. اعمال سیاست های نئوکولونیالیستی و حتی استعمار کهن ( بطور مثال در فلسطین ) توسط راس نظام جهانی سرمایه ( آمریکا ) و شرکا در این منطقه ژئوپولتیکی و ژئواستراتژیکی نه تنها در بیست و پنج سال گذشته ( دوره بعد از پایان جنگ سرد ) کمتر نگشته بلکه به طرز هارتر و حتی درنده خوتر ، به پیش برده شده است. در مقام مقایسه ، امروز کشورهای خاورمیانه بزرگ و آفریقا با مسائلی روبرو هستند که کشورهای آمریکای لاتین و یا کشورهای آسیای جنوب شرقی ، با آنها روبرو نیستند. در اینجا به تعدادی از این معضلات ، اشاره میشود.

۱ - گسترش و پیروسی اندیشه ها ، جنبش ها و سازمان های فاندامنالیستی ( بنیادگرائی ) دینی - مذهبی توسط راس نظام آمریکا و شرکا ( عربستان سعودی ، قطر ، امارات عربی و ترکیه ) در خاورمیانه بویژه عربی و در کشورهای متعدد قاره آفریقا ، با استفاده از طریق اعمال سیاست های منبعث از

تئوری " تلاقی تمدن ها " .

۲ - پیاده ساختن تلاقی تمدن ها و تبدیل بخش اعظم خاورمیانه عربی و قاره آفریقا به آسیب پذیرترین و فلاکت بار ترین منطقه امپراتوری آشوب جهانی.

۳ - این سیاست دوگانه ( اعمال تلاقی تمدن ها از طریق شیوع و پیروسی بنیادگرائی دینی - مذهبی نتیجتا تبدیل خاورمیانه و آفریقا به بخش کلیدی امپراتوری آشوب ) به امپریالیسم سه سره در ۲۵ سال گذشته از آغاز دوره بعد از جنگ سرد فرصت داده که با استفاده از لولو خورخوره اسلاموفوبیا ( ترس از مسلمانان ) به اشتعال جنگ های خانمانسوز مرئی و نامرئی در خاورمیانه و آفریقا دامن بزند.

- این فرصت در سایه فرار میلیون ها پناهنده جنگ زده مهاجر از کشورهای خاورمیانه بویژه سوریه و عراق به کشورهای غربی اروپا از یک سو و وقوع حوادث مرموز تروریستی در بیروت ، پاریس ، مالی و... در نوامبر ۲۰۱۵ از سوی دیگر که بیش از پیش به شیوع و پیروسی اسلاموفوبیا در آمریکا و اروپا دامن زده ( نتیجتا به اشتعال جنگ های مرئی و نامرئی ساخت آمریکا در کشورهای در بند پیرامونی خاورمیانه و آفریقا در سال های آینده منجر خواهد گشت.

### جمع بندی و نتیجه گیری

- امروز اوضاع روبه رشد در سراسر جهان به روشنی نشان می دهد که خاورمیانه بزرگ در محاسبات معماران نظام جهانی سرمایه ( امپریالیسم سه سره = کشورهای جی ۳ ) ژئواستراتژیکی ترین و ژئوپولتیکی ترین منطقه در جهان امروز محسوب می گردد. پیشینه این امر به قرن نوزدهم ( دوره عروج و گسترش استعمار کهن توسط کشورهای مسلط مرکز نظام جهانی به سرکردگی بریتانیای هژمون ) ، می رسد. از زمان شکست ناپلئون بناپارت در ترافالگار در ۱۸۱۲ تا سال ۱۹۴۵ ، بریتانیا تسلط هژمونیکی بر خاورمیانه بزرگ و بخش اعظم قاره آفریقا از مصر در شمال تا آفریقای جنوبی ، داشت. این موقعیت بعد از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز دوره جنگ سرد به دست آمریکای تازه به دوران رسیده هژمون ، افتاد. با این پیشینه امروز نه تنها خاورمیانه بزرگ به توفانی ترین منطقه در امپراتوری آشوب جهانی تبدیل گشته بلکه به نظر این نگارنده مرز کلیدی و اصلی تضادها و تلاقی ها بین کشورهای مسلط نظام ( شمال گلوبال ) و کشورهای در بند پیرامونی ( جنوب گلوبال ) را ، تشکیل می دهد. - در تحت این شرایط می توان از وقوع

امکانات و فرصت های دگرپرسی محور در خاورمیانه بزرگ سخن گفته و تفسیر ارائه داد. آیا در آینده نزدیک نیروهای اجتماعی توده ای در کشورهای خاورمیانه بزرگ با کمک و حمایت چالشگران ضد نظام جهانی موفق خواهند گشت که با ایجاد اتحاد بین خود و به موازات ایجاد همبستگی با خلق های متعلق به سازمان های بین المللی " آلبا " در آمریکای لاتین و " گروه شانگهای " در آسیای جنوب شرقی شرایط را برای گسست و رهائی از یوغ نظام جهانی و استقرار دولت های صاحب حاکمیت ملی ، آماده سازند؟ اگر خلق ها و دولت های خواهان کسب حاکمیت ملی در خاورمیانه بویژه در کشورهای عربی ، موفق شدند که به امر گسست از نهادهای امپریالیسم سه سره شدت بخشند در آن صورت وقوع دگرپرسی در ساختار جهانی از یک جهان تک قطبی و تک محوری به جهان چند قطبی ( و حداقل دو قطبی ) خیلی محتمل خواهد گشت. برای اینکه این واقعه بزرگ تاریخی هر چه زودتر و سریع تر اتفاق بیافتد باید انتظار داشت که بعضی از اعضای اصلی اتحادیه اروپا تمایل نشان دهند که به خاطر اوضاع رو به رشد در سوریه و اوکراین ( سیاست های جنگی و دیگر ماجراجوئی های نظامی آمریکا ) از سیاست های آتلانتیستی به سرکردگی آمریکا دوری جسته و به تعبیه و تنظیم یک اروپای یورو آسیا مستقل از آمریکا دست بزنند. بررسی اوضاع سیاسی در پانز ۲۰۱۵ بویژه در ارتباط با سرنگونی هواپیمای روسیه در شبه جزیره سینا و حملات تروریستی به بیروت و سپس پاریس و با ماکو ( در مالی ) توسط داعش نشان می دهد که شرایط برای ایجاد یک اتحاد از سوی کشورهای فرانسه ، آلمان و بلژیک با روسیه علیه دولت فاشیستی داعش ( علیرغم مخالفت های غیر مستقیم راس نظام ) در حال شکلگیری و رشد است. به نظر این نگارنده اگر این اتحاد و حتی یک ائتلاف موقتی بین روسیه ، فرانسه و آلمان و... با موفقیت به پیش رود نه تنها راس نظام در ادامه سیاست های مداخله جویانه و سلطه جویانه " رژیم پنج " برای اولین بار در خاورمیانه بزرگ در سوریه با ناکامی روبرو خواهد گشت بلکه جهانیان شاهد آغاز روندی خواهند گشت که در جریان آن جهان ما از شکل و شمایل تک محوری - یک قطبی ( یونی - پولار ) به شکل و شمایل چند قطبی - چند محوری ( مالتی - پولار ) ، تغییر خواهد یافت. در یک چشم انداز تاریخی و با عطف به گذشته می توان



به روشنی دریافت که خلق ها و ملت - دولت های کشورهای در بند پیرامونی آسیا ، آفریقا ، آمریکای لاتین و اقیانوسیه ( جنوب ) در دنیای چند قطبی و حتی دو قطبی می توانند فرصت های بیشتری را در حرکت به سوی ایجاد یک جهان دیگر و بهتر کسب کرده و به بلندپروازی های خود در جهت گسست از نظام جهانی سرمایه و حرکت در جهت یک جهان بهتر و دیگر با چشم اندازهای رهائی بخش عدالت اجتماعی ( سوسیالیستی ) دامن بزنند.

- حرکت در مسیر ایجاد جهان دیگر و بهتر که به نظر این نگارنده نیز ضرورتا دارای چشم اندازهای سوسیالیستی خواهد بود ، پر پیچ و خم، گاه غامض و مبهم و حتی بعضی مواقع مشکل و طاقت فرسا خواهد بود. اما اوضاع رو به رشد در سراسر جهان پر از تلاطم و آشوب نشان می دهد که هر روز بر ضرورت ، عینیت و امکان حرکت در مسیر آن توسط بشریت زحمتکش بویژه در کشورهای جنوب ( که امروز بیش از هر زمانی در گذشته به حلقه های ضعیف و مناطق توفانی کلیت نظام جهانی تبدیل گشته اند ) ، افزوده می گردد.

### ن ناظمی - تیر ۱۳۹۵

#### منابع و مأخذ

- ۱ - سمیرامین ، " خاورمیانه در یک چشم انداز جهانی " در وب سایت " دانشگاه سازمان ملل " ، سال ۲۰۱۵.
- ۲ - مایکل لی بوویترز ، " سوسیالیسم برای قرن بیست و یکم " ، نیویورک ۲۰۰۶.
- ۳ - مایکل لی بوویترز ، " راه انسان به سوی توسعه و رشد : سرمایه داری یا سوسیالیسم ؟ " در مجله "مانتلی ریویو" ، فوریه ۲۰۰۹ .
- ۴ - یونس پارسا بناب ، " نظام جهانی سرمایه و موقعیت کشورهای در بند پیرامونی ( جنوب ) بویژه خاورمیانه بزرگ " ، بخش دوم و مقاله " بنیادگرایی و نظام جهانی سرمایه " ، بخش چهارم کتاب " جهان در عصر تشدید جهانی شدن سرمایه " ، چاپ آمازون دات کام ، ۲۰۱۰ .
- ۵ - مقالات مربوط به خاورمیانه در ارتباط با داعش در مجله "نیشن" در سال ۲۰۱۵ .



.....  
 تاریخ صد و پنجاه ساله ... بقیه از صفحه آخر

ایران، سیر تکاملی ایجاد هسته های اولیه اتحادیه های کارگری و پیوند آنها با جنبش سوسیال دمکراسی انقلابی در بحبوحه انقلاب مشروطیت آغاز گشت ۱  
 در تابستان ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۶

کارخانه چرم سازی تبریز که در مجموع دارای ۱۵۰ نفر کارگر بودند، اعتصاب شد. در تاریخ نهم آبان ۱۲۸۷ بعد از سه روز این اعتصاب به نفع کارگران پایان یافت و مزد آنها اضافه شد و کارفرما قبول کرد که کارگران اعتصابی را از کارخانه اخراج ننماید. همچنان که پیداست، اعتصابات در دوره اول مشروطیت در روندی پویا تشکل های کارگران را به طور فراگیر زمینه ساز شد. در عین حال طبقه کارگر با تشکیل اتحادیه های خود سلاح اعتصاب را همه جانبه و به طور مؤثر به کار گرفت، شایان توجه است که در این دوره که دوره اوج گیری مبارزات مردم در راه کسب مشروطیت و آزادی است اتحادیه های کارگری از یکسو در میدان عمل سیاسی به ناچار آبدیده و رادیکالیزه گشتند و از سوی دیگر همین اتحادیه ها و تشکل ها در به ثمر رساندن مبارزات مردم و انقلاب مشروطیت تحت رهبری فرقه اجتماعیون - عامیون مؤثر واقع شد. با اینکه تشکل های کارگری در یک دوره زمانی معین پس از شکست انقلاب مشروطیت با افول روبرو گشتند ولی این دوره آرامش و سکون با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و اوج گیری جنبش های رهایی بخش در ایالات شمال ایران در دوره ۱۳۰۰-۱۲۹۶ خورشیدی به پایان رسید و جنبش کارگری دوباره جان تازه یافت و با همه توان خویش روند رو به رشد خود را آغاز کرد. تحولات فراگیر و ژرف در جنبش کارگری که از سال ۲۹۶ آغاز گشت در بخش های بعدی این نوشتار به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت. ما در اینجا به بررسی تاریخچه شکل گیری و رشد شوراهای زنان و سپس انجمن های ملی و نقش آنها در دوره اول مشروطیت (۱۲۸۷-۱۲۸۴ خورشیدی) که به طور عمده تحت نظارت و گاهی تحت رهبری مستقیم و غیر مستقیم فرقه اجتماعیون - عامیون بودند، می پردازیم.

انجمن ها و شوراهای همسو با اجتماعیون - عامیون تا آنجا که اطلاع داریم اولین سازمان های متعلق به زنان در ایران در دوره اول مشروطیت (۱۲۸۷-۱۲۸۰ خورشیدی) به وجود آمدند ولی پیشینه مبارزات زنان ایران علیه نظام مرد سالاری و ستم بر زنان، نزدیک به دو بیست سال سابقه دارد. در سال ۱۱۸۶ خورشیدی (۱۸۰۷ میلادی) زنی معروف به "بانو نوری جهان" به درخواست زنان همفکر خود کتاب "تجات المسلمات" را پیرامون مسائل و آداب ویژه زنان نوشت که طبق نظر مورخین نخستین کتاب در باره

کارگران شیلات سواحل دریای خزر در حمایت از انقلاب مشروطیت دست به اعتصاب زدند. در آبان ماه همان سال این اعتراض ها گسترش یافت و بیشتر کارگران شیلات ایرانی و روسی در آن شرکت کردند. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد اعتصاب کارگران شیلات اولین اعتصاب کارگری به معنی مدرن آن در تاریخ معاصر ایران است. همچنین در سال ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۶ میلادی) کارگران نانوائی های شهر رشت با حمایت مجاهدین رشت برای بهبود وضع خود اعلان اعتصاب کردند. در بهمن ۱۲۸۵ کارگران چرم سازی های تهران نامه ای به مجلس اول نوشته و اعلام کردند که در صورت پذیرفته نشدن خواسته هایشان اعتصاب خواهند کرد. در اسفند ماه همان سال کارگران تلگراف خانه تهران نیز دست به اعتصاب زدند.

در تیر ماه ۱۲۸۶ خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی) هنگامی که محمد علی شاه با حمایت شیخ فضل الله نوری و امرای نیروی قزاق روس روزنامه های مترقی "حبل المتین" و "صور اسرافیل" را توقیف ساخت. کارگران چاپخانه های تهران که در "اتحادیه کارگران چاپخانه ها" (اولین تشکل کارگری در ایران) عضویت داشتند همگی اعتصاب چهار روزه اعلام کردند. این اعتصاب، که در راه مبارزه برای آزادی مطبوعات انجام پذیرفت و کاملاً جنبه سیاسی داشت، دارای اهمیت بسزایی در تاریخ جنبش کارگران ایرانی است. این حرکت اعتراضی علیه رژیم از طرف کارگران اولین اعتصاب کارگری در تاریخ ایران است که توسط یک اتحادیه کاملاً متشکل و سازمان یافته هدایت می شد. با اینکه این اتحادیه بیشتر از دو سال دوام نیاورد و بعد از کودتای محمد علی شاه سرکوب گشت و رهبر آن محمد پروانه در دوران "استبداد صغیر" متواری شد ولی بقایای این تشکل سال ها بعد تحت رهبری محمد دهگان در سال ۱۲۹۸ خورشیدی (۱۹۱۷ میلادی) موفق به سازماندهی کارگران چاپخانه ها شد و سپس در نبرد علیه عروج رضاخان به اوج دیکتاتوری نقش بزرگی ایفا کرد.

اوایل دی ماه ۱۲۸۵ کارگران و کارمندان واگن های تهران با هماهنگی اتحادیه خود دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. این اعتصاب ۱۲ روز به طول انجامید و موجب پیروزی کارگران که خواستار اعلام علت اخراج همکاران خود و بهبود شرایط کار و زندگی بودند، شد. در تاریخ ششم آبان ۱۲۸۷ در بحبوحه انقلاب مشروطیت در سه



▶ زنان ایران محسوب می شود. در سال ۱۳۰۵ خورشیدی و در بحبوحه جنگ های ایران و روسیه تزاری پس از کوچ دادن و بازگرداندن اجباری زنان گرجی ساکن ایران به خاک روسیه، در شهر تهران، زنان همراه مردان در اعتراض به این امر به سفارت روسیه حمله کرده و آن را تخریب کردند. در آغاز دهه ۱۲۳۰ (۱۸۵۰ میلادی) زنان در تظاهراتی که در دفاع از امیر کبیر (که از طرف ناصرالدین شاه از مقام صدر اعظمی خلع و سپس تبعید گشته بود) برپا شده بود، شرکت فعال داشتند.

در عصر استبداد ناصری که نزدیک به نیم قرن (از ۱۲۳۷ تا ۱۳۷۵ خورشیدی) طول کشید، زنان به طور دائم در تظاهرات و شورش های متعدد پیرامون مسئله نان و قحطی علیه نظام شاهی و محتکرین غله و نان شرکت داشتند. به طور نمونه عصیان زنان در قحطی سال ۱۲۳۹ خورشیدی (۱۸۶۰ میلادی) ناصرالدین شاه را مجبور ساخت که کلانتر تهران را به دار آویخته و بهای نان را کاهش دهد (۲) مبارزات زنان در عهد ناصری فقط محدود به اعتراض ها و شورش های خیابانی پیرامون قحطی و کمبود نان، غله و گوشت نبود بلکه مدارک تاریخی نشان می دهد که خیلی از زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیز به مبارزه علیه استبداد ناصری دست می زدند. یکی از این زنان طاهره قرة العین (۱۸۵۲-۱۸۱۷ میلادی) بود. قرة العین که شاعری آزادیخواه و صاحب قلم بود، در عنفوان جوانی بعد از تحصیل و تفحص در فلسفه و کلام به مرام شیخیه گروید و سال ها از پس پرده "به تدریس فلسفه و کلام پرداخت. پس از "ظهور" سید علی محمد باب در شیراز، قرة العین به یکی از یاران نزدیک باب تبدیل شد و از آن پس به تبلیغ آئین باب پرداخت. قرة العین که به خاطر فعالیت هایش از طرف سید باب به لقب طاهره معروف گشت و بطور مداوم به مبارزه علیه ستم و استبداد ناصری ادامه داد و در سال ۱۸۵۰ میلادی در شاهرود در انجمنی که به تازگی دایر گشته بود بدون حجاب ("بی پرده") حضور یافت و برای پیروان باب سخنرانی کرد. شهامتو جسارت طاهره که موجب اعجاب و شگفت حاضران گشت، خیلی از بابی های متعصب و محافظه کارا علیه او برانگیخت. ولی طاهره به تبلیغ خود پیرامون "برداشتن حجاب" و شرکت زنان در امور اجتماعی و فرهنگی ادامه داد.

قوة العین در آخرین سال های عمر خود در عملیات نظامی و سیاسی نیز شرکت جست و

در سال ۱۸۵۲ میلادی (۱۲۳۱ خورشیدی) به اتهام شرکت فعال در قیام بابیان زنجان و سپس شرکت در ترور نافرجم ناصرالدین شاه دستگیر شد. پس از قتل عام بابیان و کشتن باب، طاهره را از قزوین به تهران آوردند و در باغ محمود خان (کلانتر تهران) در یک "بالا خانه بی پله" محبوس ساختند. در آخر سال ۱۸۵۲ طاهره را که ۳۶ سال بیشتر نداشت، به دستور ناصرالدین شاه و وزیرش میرزا آقاخان نوری در باغ ایلیخانی (که مدتی بعد به ساختمان بانک ملی تبدیل شد) "خفه کردند." (۳) قرة العین از جمله زنان آزاده و وارسته ای بود که در شتاب حرکت آزادی و رهایی زن از قید و بند های اجتماعی و سنت های پوسیده ی مذهبی نقش بسزایی داشت. بدون تردید آرمان طلبی و برابری طلبی اجتماعی او با فروریختن باورهای حاکم بر جامعه آن زمان ایران نه تنها نشانه جسارت و پاکدلی او بلکه رشد مبارزاتی زنان در راه احقاق حقوق و شرکت فعال در روابط اجتماعی و امور فرهنگی آن دوره از تاریخ ایران حکایت می کند.

ادامه مبارزات زنان در عصر مشروطیت با اینکه استبداد ناصری قرة العین را خفه کرد ولی مبارزات زنان علیه نظام همچنان ادامه یافت. به طور نمونه، پس از اعطای انحصار تجارت دخانیات به شرکت انگلیسی (قرارداد رژی)، زنان در مبارزات علیه این قرارداد که به جنبش ضد تنباکو معروف شد، به طور گسترده کردند. مخالفت و قیام های پیاپی در نهایت به شورش ۱۴ دی ۱۲۷۰ خورشیدی (۱۸۹۱ میلادی) در تهران انجامید، در این شورش زنان پیشاپیش مردان به ارک سلطنتی هجوم بردند. به خاطر خصلت فراگیر این شورش ها، سرانجام ناصرالدین شاه ناچار شد که قرارداد انحصاری را در ۱۶ دی ۱۲۷۰ خورشیدی به طور رسمی لغو کند.

در آخرین سال های استبداد ناصری (۱۲۷۵-۱۲۷۱ خورشیدی) زنان در انتشار و تکثیر و پخش "شبنامه" ها در شهرهای مختلف ایران نقش بزرگی داشتند. بدون تردید شرکت زنان در مبارزات علیه استبداد و نفوذ استعمار در بحبوحه انقلاب مشروطیت که از اوایل پائیز سال ۱۲۸۴ در شهرهای ایران شروع شده بود، شدت یافت. در ۲۲ آذر ۱۲۸۴ خورشیدی، زنان در حمایت از بست نشینان حرم عبدالعظیم، سربازان را سنگ باران کردند و در درگیری مردم در روز ۲۴ آذر ۱۲۸۴ به ساختمان در حال ساخت بانک استقراضی

روسیه تزاری در تهران، زنان یک سوم جمعیت را تشکیل می دادند. پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، مبارزات زنان به خاطر تأسیس شوراها و دیگر سازمان های متعلق به زنان با مشورت و حمایت تنها حزب منسجم و مدرن اجتماعیون - عامیون وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد.

شوراها و دیگر سازمان های زنان که در دوره اول انقلاب مشروطیت در ایران در دفاع از انقلاب مشروطیت و احقاق حق برابری و رفع ستم بر زنان به وجود آمدند متنوع و بیشمار بودند ولی به خاطر غلبه خرافات مذهبی در بافت جامعه ایران از یک سو و تسلط رژیم استبداد از سوی دیگر، هویت و وجود آنان برای سال های مدید از نظر مردم ایران پنهان نگاه داشته شدند. نویسندگان بزرگ و مورخین شاخص مشروطیت مانند کسروی، ملک زاده، آدمیت، نظام مافی، محیط مافی، ناظم الاسلام کرمانی، صفائی، دولت آبادی، رضوانی و دیگران نیز با اینکه به این انجمن ها و شوراها در آثار خود اشاره هایی کردند ولی یا به خاطر جو حاکم و یا به خاطر کمبود دانش خود نتوانستند در معرفی این شوراها و انقلابی و زنان مبارز و پیگیر نقشی در خورشایسته خود انجام دهند. ولی در پنجاه سال اخیر (۱۳۹۵ - ۱۳۴۴) مورخین و نویسندگان برجسته ای همچون: سیما بهار، فرح آزادی، پری شیخ الاسلامی، فخری قویمی، هما ناطق، عبدالحسین ناهید، بدرالملوک بامداد و منصوره نظام مافی، اطلاعات مفید و جامعی در باره اهداف انقلابی و کم و کیف تشکیلاتی شوراها و زنان دوره اول مشروطیت را در اختیار دانشجویان تاریخ سیاسی ایران قرار دادند (۴)، مهمترین شوراها و انجمن های زنان در دوره اول مشروطیت (۱۲۸۷-۱۲۸۵ خورشیدی) عبارت بودند از :

\* "انجمن آزادی زنان"، در ۱۹۰۶ (۱۲۸۵ خورشیدی)

\* "اتحادیه غیبی نسوان"، در ۱۹۰۷

\* "انجمن حریت زنان"، در ۱۹۰۷

\* "انجمن نسوان" در ۱۹۰۸

"انجمن آزادی زنان" یکی از قدیمی ترین سازمان های سیاسی زنان در ایران است که در سال ۱۹۰۶ در تهران تأسیس شد و یکی از انسان های ارجمند و انقلابی این انجمن تاج السلطنه قاجار، دختر ناصرالدین شاه بود که بررسی کتاب خاطرات او نشان می دهد که او شاید اولین زن فمینیست - سوسیالیست تاریخ ایران بوده است. از فعالین دیگر



این انجمن باید از افتخار السلطنه، خواهر تاج السلطنه، صدیقه دولت آبادی و شمس الملوک جواهر کلام (که هر دو در دهه ۱۳۰۰ خورشیدی نقش مهمی در تاریخ معاصر مبارزات زنان ایران داشتند) نام برد.

نزدیک به یک ماه و نیم پس از امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه قاجار در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵، تعدادی از زنان فعال در همین انجمن ها در میدان بهارستان تهران گرد آمده و خواستار تدوین فوری متمم قانون اساسی شدند. ۱۲ روز بعد در ۲۶ مرداد همان سال زنان فعال یکی از بدنام ترین محتکرین تهران را پس از دستگیری و محاکمه در میدان توپخانه به دار آویختند. در آغاز مهرماه ۱۲۸۵، اتحادیه غیبی نسوان پس از یک سال مبارزه و افشاگری طی پیامی از نمایندگان مجلس مجدانه خواستند که هر چه زودتر به خواست زنان متمم قانون اساسی را به نفع زنان تدوین کنند و اگر قادر نیستند، بهتر است که استعفا داده و زمام امور را به دست زنان بسپارند. به خاطر اعتراض پیگیر و روزمره زنان، مجلس اول متمم قانون اساسی را در مورد هفت اصل متمم در روز ۱۵ مهر ۱۲۸۶ به تصویب اکثریت رساند.

انجمن حریت زنان که توسط صدیقه دولت آبادی و شش نفر از یاران او در ۹ دیماه ۱۲۸۶ تشکیل یافته بود، طی یک گرد همایی، قطعنامه ۱۰ ماده ای از خواسته های خود را بیان کرده و از مجلس و دولت درخواست کردند که مدارس دخترانه تأسیس شود. با اینکه بیشتر این انجمن ها در تهران فعالیت داشتند ولی در شهرهای دیگر ایران و خارج از ایران نیز زنان در این دوره در راه احقاق حق آزادی های دمکراتیک و برابری متشکل شده و علیه تاریخ اندیشی، "سنن مضر" به مبارزه روی آوردند. معروف ترین آنها عبارتند از: "شوراهای زنان" (نیمه مخفی)، در تبریز به سال ۱۹۰۷، "هیأت زنان اصفهان" انجمن خیریه های نسوان ایرانیان مقیم استانبول و "انجمن زنان ایران" در عشق آباد، به رهبری شاعره بزرگ شمس کسمائی، در سال ۱۹۰۹. (۵)

مبارزات زنان در دوره اول انقلاب مشروطیت ۱۲۸۷-۱۲۸۵ به خاطر سازماندهی زنان و حمایت سوسیال - دمکرات های ایران از انجمن ها و شوراهای زنان وارد مرحله جدیدی گشت. در آغاز بهار ۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی) زنان به رهبری انجمن ملی (دوره اول) خواستار به رسمیت شناختن حق

تشکیل تشکل های زنان، افتتاح دبستان ها و دبیرستان های دخترانه در سراسر کشور شدند. تظاهرات چند صدنفری زنان در مقابل ساختمان مجلس به نفع لایحه و در اعتراض به اقدامات مستبدانه محمد علیشاه علیه مجلس، نیروهای ضد مشروطه به ویژه علمای طرفدار مشروطه را به هراس انداخت.

دشمن شماره یک زنان و شوراهای زنان شیخ فضل الله نوری، رهبر بلامنازع جناح محافظه کار و سنت گرای علمای مذهبی بود. فتوای نوری علیه مدارس دخترانه و حقوق زنان موجب واکنش شدید در میان زنان مبارز علیه نوری و دیگر علمای محافظه کار مانند سید علی شوشتری شد. شکایت ها و اعتراض ها و دیگر فعالیت های زنان آزادیخواه علیه نوری به طور چشمگیر و گسترده در مطبوعات دوره اول انقلاب ۱۹۰۸ - ۱۹۰۶ به ویژه در "مساوات"، "حبل المتین"، "صور اسرافیل" و "ندای وطن" منعکس گشتند و بدون شک در بی اعتبار ساختن و افشای هویت زن ستیزی و ماهیت استبدادی و ضد مشروطه طلبی نوری در افکار عمومی نقش بسزایی داشتند.

انتقادهای کوبنده زنان فعال در این دوره فقط متوجه علمای محافظه کار سنت گرا نبود. آنها همچنین به بی عملی و عدم وجود یک برنامه برای پیشرفت و رفاه اجتماعی در مجلس شورای ملی دوره اول نیز پرداختند و از نمایندگان مجلس که بیشتر آنها مخالف آزادی زنان بودند شدیداً انتقاد کردند. ولی در همین دوره مردانی نیز بودند که هم در مجلس و هم در مطبوعات از آزادی زنان، تأسیس مدارس دخترانه و گسترش شوراهای زنان حمایت کردند و یا دست کم وجود آنها را تحمل کردند. از نمایندگان مجلس اول که از حقوق و خواسته های زنان دفاع کردند، می توان از وکیل الرعایا، نماینده همدان و تقی زاده، نماینده تبریز نام برد. ولی زنان فعال و رهبران شوراهای زنان از انتقادهای خود دست برنداشتند و پس از کودتای محمد علیشاه در تیر ماه ۱۲۸۷ خورشیدی (ژوئن ۱۹۰۸ میلادی) و بمباران مجلس (که مقاومت و مبارزه علیه استبداد و ارتجاع به تبریز منقل شد)، زنان نیز گروه گروه به تبریز عزیمت کرده و در آنجا به انجمن تبریز، مرکز غیبی، ستارخان و مجاهدین پیوستند.

در محاصره شهر تبریز توسط قوای محمد علیشاه و روس های تزاری که ده ماه طول کشید، به استناد شماره های مختلف نشریه

"انجمن" زنان با لباس مردانه در محله های مختلف تبریز در مقابل ضد انقلاب به نبرد برخاسته و در روستاهای حومه تبریز بودند. طبق گزارش "حبل المتین" و پری شیخ الاسلامی در کتاب "زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایرانی" (چاپ ۱۳۶۲، تهران) در یکی از نبردهای خیابانی تبریز بیست زن که به لباس مردان ملبس بودند در میان کشته شدگان پیدا شدند. کریم طاهرزاده بهزاد، یکی از شرکت کنندگان در جنگ تبریز در کتاب معروف خود، "قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت"، نوشت وقتی که از یک سرباز زخمی خواستند که برای معالجه لباس هایش را از تن خود در آورد سرباز زخمی حاضر نشد که ستارخان مجبور به مداخله گشت، وقتی که ستارخان متوجه شد که علت عدم همکاری سرباز این است که او زن است، با همه وجودش تحت تأثیر قرار گرفت. سرانجام به طور کلی می توان گفت که زنان در دوره نبرد تبریز و انقلاب مشروطیت، با شهامت و بردباری حماسه ها آفریده و خدماتی بی نظیری به جنبش مردم ایران نمودند. (۶)

پس از پیروزی مشروطه طلبان و تبعید محمد علیشاه و آغاز دوره دوم مشروطیت در ۱۲۸۸ (۱۹۰۹ میلادی) فعالیت زنان بیشتر از پیش فراگیر و چشمگیر گشت. در دوره دوم مجلس شورای ملی، زنان در "انجمن خوانین وطن" و دیگر انجمن ها و شورا ها با برنامه دولت و نمایندگان مجلس که می خواستند وام های سنگین از روسیه و انگلستان بگیرند، شدیداً به مخالفت برخاستند و جلسه های متعددی برای بحث و مناظره در مورد مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی برپا کردند. بی بی وزیراف مدیر مدرسه ابتدائی دختران در نشست های سیاسی مختلفی که در خانه خود برپا می کرد از شرکت کنندگان با صرف چایی و قلیان پذیرایی می کرد. در دوره دوم مشروطیت تعداد بی شماری از انجمن ها و شوراهای زنان در سراسر ایران تأسیس یافتند که معروف ترین آنها انجمن نسوان ایران بود. "انجمن نسوان ایران" در سال ۱۹۱۰ در تهران، توسط شصت نفر از زنان فعال و متخصص تشکیل شد. این انجمن، اخذ وام خارجی و خرید کالاهای خارجی را بایکوت کرد و در ایجاد مدارس دخترانه، مدارس اکابر و یتیم خانه ها گام های مؤثری برداشت. (۷) انجمن ها و شوراهای زنان در دوره دوم مشروطیت روابط تنگاتنگی با یکدیگر داشتند و در بیشتر تظاهرات و اعتراض ها علیه نفوذ دولت های خارجی



در امور ایران و حمایت از آزادی های ملی و دمکراتیک همکاری نزدیک داشتند. برخی از زنان مشهور این دوره که در انجمن ها و شورا ها فعالیت های گسترده و فراگیر داشتند عبارت بودند از: \* صدیقه دولت آبادی، ناشر نشریه "زبان زنان" \* محترم اسکندری، یکی از زنان سوسیالیست در دوره مشروطیت

\* هما محمودی، شاعر و نویسنده فمینیست و یکی از سازماندهان تظاهرات دلاوران و تاریخی زنان در مقابل ساختمان مجلس در آذر و دی ماه ۱۲۹۰ خورشیدی (دسامبر ۱۹۱۱)

\* شمس الملوک جواهر کلام، نویسنده، یکی از فعالان جنبش زنان و معلم تاریخ ایران \* بیبی وزیراوف، مؤسس "دبستان ابتدایی دوشیزگان"، در تهران، در سال ۱۹۰۷

\* طوبا آموزده، مدیر مدرسه "ناموس"، در سال ۱۹۰۷

\* درت المعالی، یکی از فعالان انقلابی و ضد امپریالیست، در جریان مذاکرات دول روس و انگلیس برای تجزیه ایران، در سال ۱۹۰۷

\* صفیه یزدی، مؤسس "مدرسه دخترانه" در سال ۱۹۱۰ و یکی از فمینیست های شاخص

\* ماهرخ گوهر شناس، مؤسس "مدرسه دخترانه ترقی"، در سال ۱۹۱۱ و مبلغ آزادی و برابری زنان

در این دوره زنان با تشکیل کنفرانس ها و حتا اجرای نمایشنامه ها اقدام به ایجاد امکانات مالی کرده و آن را در خدمت جنبش زنان قرار دادند. در بهار سال ۱۲۸۹ خورشیدی (۱۹۱۰ میلادی) نزدیک به ۵۰۰ نفر زن با حضور و شرکت خود در یک نمایش تئاتری و فروش بلیط های صد ریالی موفق شدند که با جمع آوری پول برای دختران یتیم، یک مدرسه اکابر و یک کلینیک زنانه دایر کنند. این نمایش تئاتری که در باغ اتابک برگزار گردید، توسط انجمن خوانین وطن اجرا شد. در سال های ۱۲۹۰ - ۱۲۸۹ برنامه های مختلف فرهنگی در تهران و تبریز توسط زنان اجرا گردید که در نوع خود بی نظیر بودند. یکی از این برنامه های فرهنگی توسط زنان ارمنی ایران تهیه و اجرا شد که از هواداران سوسیال دمکرات های ایران بودند، نویسنده و کارگردان آن گریگوریکیکیان بود که همسرش استوریک یکیکیان معروفترین هنرپیشه زن این دوره از تاریخ ایران محسوب می گردد. (۸)

یکی دیگر از زنان فعال و فمینیست ایران در این دوره "بیان اف" از اعضای اصلی

انجمن مجاهدین تبریز بود. او نه تنها در بین زنان تهیدست شهری و دهقانان روستاهای تبریز فعالیت میکرد بلکه با ارتباط از طریق مکاتبه از زنان ثروتمند و اریستوکرات نیز دعوت می کرد که به جنبش زنان دوره مشروطیت بپیوندند. شاهزاده تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه تحت تأثیر مکاتبات "بیان اف" به صحنه مبارزه کشیده شد و در این زمان به یکی از عناصر فعال "انجمن آزادی نسوان" تبدیل گشت. به نظر نگارنده، تاج السلطنه اولین زن فمینیست ایران است که در خاطرات خود بر مسائلی تأکید و بحث می کند که تا آن زمان تابو محسوب میشد، به روشنی موضع گرفته و زنان را به مبارزه علیه ازدواج "مصلحتی" و حجاب، فحشا، ازدواج های بدون عشق و حق طلاق یک طرفه (برای مردان) فراخوانده است.

عصمت تهرانی که در دوره دوم انقلاب مشروطیت به طور مرتب تحت نام مستعار "نیره" در نشریه "ایران نو" مقالاتی در باره حقوق زنان می نوشت، نیز از زنان مبارز و فعال این دوره محسوب می شود. او در این مقالات پیوسته خاطر نشان می سازد که زنان تحصیل کرده و روشنفکر می توانند نقش کلیدی در پیشرفت مشروطیت و جامعه مدرن داشته باشند. طیره در این مقالات شدیداً علیه چند همسری یا تعدد زوجات موضع گرفته و "برتری" و "هوشمندی" مردان را در مقایسه با زنان به چالش طلبید.

از دیگر زنان فعال این دوره که در راه مبارزه برای زنان جانفشانی ها کرد و بدینگونه به کل جنبش تجددطلبی و مشروطه خواهی خدمات شایانی نمود، دکتر کمال مدیر نشریه معروف "دانش" مخصوص زنان بود.

انجمن های زنان در این دوره، فعالیت خود را محدود به حقوق زنان نکرده بلکه در مسائل سیاسی روز نیز به طور جدی دخالت داشتند. در ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱ دولت روسیه تزاری با رضایت و حمایت دولت امپراطوری انگلستان طی یک اولتیماتوم نظامی از مجلس دوم ایران خواست که "مورگان شوستر" را در عرض چهل و هشت ساعت از ایران اخراج سازد. شوستر مسئول مشاور مالی مدبری بود که از طرف دمکرات ها برای اصلاحات مالی و خزانه داری استخدام شده بود. شوستر که در ضمن مسئول اخذ مالیات از تجار ثروتمند و زمینداران بزرگ بود شدیداً با مداخلات دولت های روسیه و انگلستان به نفع این طبقات در امور داخلی ایران مخالفت می کرد. پس از علنی شدن اولتیماتوم روسیه، جنبش

زنان فعال ایران در شهرهای اصفهان، قزوین و تبریز به حرکت در آمد و علیه قدرت های خارجی بسیج شدند. در تهران، زنان عضو انجمن ها و شوراها موفق شدند که با بسیج ۵۰۰ نفر اعتصاب بزرگی را تدارک ببینند. در این نمایش بزرگ هزاران زن کفن پوش، خواست و تعهد خود را برای جنگ علیه نیروهای خارجی اعلام کردند. "انجمن خواتین وطن" با تظاهرات چشمگیر خود در اول سپتامبر ۱۹۱۱ در مقابل مجلس شورای ملی همراه با سخنرانی های مهیج از نمایندگان مجلس خواست که در مقابل اولتیماتوم مقاومت کنند. زینب امین از اعضای بنیانگذار "انجمن خواتین وطن" و معلم مدرسه دخترانه شاه آباد بعضی از اشعار خود را که در دفاع از حقوق مردم ایران در مقابل تجاوز نیروهای خارجی سروده بود برای شرکت کنندگان قرائت کرد. تظاهرات وسیع به رهبری انجمن های زنان علیه دخالت های روسیه و انگلستان در امور داخلی ایران و اعتصابات منظم و بایکوت های متوالی علیه محصولات و کالاهای خارجی در سراسر ماه دسامبر سال ۱۹۱۱ ادامه یافت.

فعالیت های اعتراضی زنان فقط به تهران محدود نمی شد، در اواسط دسامبر ۱۹۱۱، هیأت نسوان قزوین و هیأت نسوان اصفهان از انجمن ها و از دولت خواستند که زنان را برای "مبارزه مسلحانه" علیه قوای نظامی روسیه که قزوین را اشغال کرده بودند، مسلح سازند. رهبری "هیأت نسوان اصفهان" در اعلامیه خود خاطر نشان ساخت که "زنان نیز می توانند در جهاد شرکت کنند به ویژه زمانی که مردها به خاطر فقدان شجاعت دچار بی عملی شده اند."

با اینکه مبارزات گسترده زنان دوره دوم مشروطیت، در واپسین روزهای دسامبر ۱۹۱۱ در نتیجه اولتیماتوم روس ها و مداخله نظامی مشترک روسیه و انگلستان با شکست روبرو شد، ولی فعالیت زنان در این دوره به خاطر خصلت مردمی بودن آن فراز جدیدی را در تاریخ جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی کشور ایران، پس از جنگ جهانی اول و دهه ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) گشود که در فصل سوم به بررسی آن خواهیم پرداخت.

پاورقیهای توضیحی

۱- خسرو شاکری، "اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران" در بیست جلد، تهران ۱۳۶۴، جلد اول

۲- شاپان توجه است که مدتی بعد در سال ۱۳۶۶ خورشیدی (۱۸۸۷ میلادی) زنان



- جمشید ملک پور، "ادبیات نمایش در ایران"، در دو جلد، تهران ۱۳۶۲، جلد دوم صفحه ۴۸.  
- ژانت آفاری، "انقلاب مشروطیت ایران"، صفحه ۱۹۶.



در آخرین ساعاتی که رنجبر آماده پخش می شد دریافتیم که جعفر عظیم زاده آزاد شد

جعفر عظیم زاده یکی از مسئولین اتحادیه آزاد کارگران ایران بعد از دو ماه اعتصاب غذا در اعتراض به امنیتی کردن پرونده و بی حقوقی علیه فعالیت کارگری برای یک مرخصی محدود قابل تمدید آزاد شد این آزادی که در زیر فشار جنبش کارگری، آزادیخواهان و اکثر احزاب مترقی در سطح ملی و بین المللی صورت گرفت. موفقیتی نه تنها برای فعالین کارگری بلکه موفقیتی متعلق به همه انسان زحمتکشی است که در زیر ستم و استثمار رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به ستوه آمده اند. ما این موفقیت را به جعفر عظیم زاده و جنبش کارگری تبریک می گوئیم. این موفقیت نشانی از پیروزی مبارزه متحدانه علیه دشمنان کارگران و زحمتکشان در ایران است.



حمایت پدر و سپس شوهرش مدارج تعلیم و تربیت را یکی پس از دیگری پیمود و در بیست سالگی به یکی از رهبران جنبش زنان ایران تبدیل شد. او زبان های ترکی آذری و فارسی و روسی را به خوبی می دانست و در دهه ۱۹۱۰ میلادی (۱۲۹۰ خورشیدی) یکی از زنان روشنفکر و دانشمند ایران محسوب می شد. کسائی در سال ۱۹۱۸ همراه همسر و دو فرزندش (صفا و اکبر) پس از سال ها دوری از کشور و تحصیل و کار از روسیه به ایران بازگشتند. وی هنگامی که همراه خانواده وارد تبریز گشت چادر بر سر نداشت و شاید نخستین زن مسلمان ایرانی بود که آزادانه در کوچه و بازار تبریز ظاهر شد و به خاطر همین جسارت و آزادی مورد لعن و نفرین بخشی از قشریون و ملاحای متعصب قرار گرفت. ولی بعد از دو سال (در ۱۲۹۹ خورشیدی برابر با ۱۹۲۰ میلادی) در زمان حکومت نه ماهه شیخ محمد خیابانی یکی از دست اندرکاران اصلی مجله فرهنگی و سیاسی "آزادستان" گشت و در آن مجله با فمینا (نام مستعار تقی رفعت، سردبیر مجله) و با فمینیست (نام مستعار رفیع خان امین) در باره حقوق زن و برابری و آزادی، مناظرات و مناقشات متعدد داشت. در ضمن شمس کسمائی، شاعری توانا و محبوب بود و اشعار او مورد تمجید و تحسین دیگر شاعران معاصر خود از جمله ابوالقاسم لاهوتی قرار گرفت. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: آرین پور، "از صبا تا نیما"، جلد دوم سال ۱۳۵۵.

۶- در دیگر نقاط ایران نیز زنان در مبارزات مسلحانه علیه "استبداد صغیر" شرکت داشتند. به طور نمونه، در تصرف رشت در ۱۲ بهمن ۱۲۸۷ عذرا کردستانی همراه دو زن مبارز دیگر، آستخیک و لیلا ملبس به لباس مردانه در کنار مجاهدین مشروطه طلب جنگیده و فداکارانه جان باختند. برای مأخذ، رجوع کنید به: ملکزاده، همانجا، جلد سوم و شیخ الاسلامی، همانجا صفحه ۸۵.

۷- هر چند تعداد این مدارس در اول انقلاب در سال ۱۲۸۵ خورشیدی کم بود، اما چهار سال بعد در اواخر سال ۱۲۹۰ (۱۹۱۱ میلادی) تعداد دانش آموز دختر به ۳۵۰۰ نفر رسید و پس از آن هر سال بر شمار دانش آموزان دختر افزوده شد و در آغاز سال ۱۳۰۱ بیش از ۱۷ هزار نفر دختر دانش آموز در ایران تحصیل می کردند.  
۸- برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به:

موفق شدند که در اعتراض به کمبود نان این بار راه را برکالسکه سلطنتی که ناصرالدین شاه را حمل می کرد ببندند. چند سال بعد (۱۲۷۱ خورشیدی) زمانی که ناصرالدین شاه که در خانه امام جمعه تهران میهمان بود، زنان در مقابل خانه امام جمعه اجتماع کرده و به گرانی نان اعتراض کردند در شورش معروف مردم تبریز در سال ۱۲۷۴ خورشیدی علیه محیطی فراگیر ناشی از احتکار گندم، زنان نقش اصلی داشته و ۸ کشته دادند. در آخر همان سال تعدادی از زنان با تجمع در صحن عبدالعظیم در تهران به گرانی نان و گوشت اعتراض کردند. تحت تأثیر مبارزات زنان و شرکت آنان در شورش های شهری، بی بی خانم استرآبادی یکی از زنان فعال سال های آخر عهد ناصری کتاب معروف "معایب الرجال" را در نقد نقادانه از بینش و اخلاقیات مردها به رشته تحریر در آورد. تحت تأثیر این کتاب که در اوایل سال ۱۲۷۵ خورشیدی در دسترس مردم قرار گرفت، گروهی از زنان آذربایجان تحت رهبری زینب پاشا در پی یک رویارویی مسلحانه با والی آذربایجان در نزدیکی تبریز درب انبار غله والی را گشوده و کندم را که به فراوانی احتکار شده بود بین مردم تقسیم کردند. برای دسترسی به مأخذ تاریخی در باره مطالب مذکور در پیش نویس های ۲۰ و ۲۱، رجوع کنید به:  
- احمد کسروی، "تاریخ مشروطه ایران"  
- ناظم السلام کرمانی، "تاریخ بیداری ایرانیان"  
- مهدی ملک زاده، "تاریخ انقلاب مشروطیت ایران"  
- عبدالحسین ناهید، "زنان ایران در جنبش مشروطه"  
- ابراهیم تیموری، "تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران"  
- یحیی آرین پور، "از صبا تا نیما"  
۳- در باره زندگی کوتاه و پر از مبارزات طاهره قره العین، رجوع کنید به: معین الدین محرابی، "قره العین شاعره آزادیخواه و ملی ایران"، کلن ۱۳۶۸  
۴- برای نمونه رجوع کنید به:  
- بدرالملوک بامداد، "زنان ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید"، تهران ۱۳۴۷  
- فخری قویمی، "کارنامه زنان مشهور ایران"، تهران ۱۳۵۱  
- عبدالحسین ناهید، "زنان ایران در جنبش مشروطه"، تهران ۱۳۶۰  
۵- شمس کسمائی در سال ۱۲۶۸ خورشیدی (۱۸۸۹ میلادی) در یک خانواده گرجی ایرانی ساکن یزد به دنیا آمد. کسمائی با



## در جنبش جهانی کمونیستی

مقاله زیر دارای برخی از نقطه نظرانی است که با نظرات حزب همخوانی ندارد و در تحلیل از اوضاع اوکراین دقیق نیست ولی نشریه رنجبر برای آگاهی خوانندگان از نقطه نظرات موجود در جنبش چپ اوکراین به درج آن اقدام می نماید

**در مورد وضعیت در اوکراین**  
شورای KSRD، مه ۳، ۲۰۱۶

حوادث ۲ سال گذشته در اوکراین موجب بحث های بسیاری شد. در این راستا ما باید یک توضیح اساسی بر اساس تجزیه و تحلیل طبقاتی پرولتاریا بدست دهیم.

رژیم سیاسی که در کشور توسط رئیس

جمهور ویکتور یانوکویچ در ۲۰۱۳-۲۰۱۰ پدید آمد با اتوریته گری (استبدادی) توصیف شد. تمرکز بزرگی از قدرت در دست یک گروه سیاسی که منافع بزرگترین شرکت های مالی و صنعتی ملی را به نام اس-سی-ام نمایندگی میکند. در واقع رژیم مزبور، اوکراین را به مالکیت خصوصی خود در آورد. فعالان پرولتری پیشرو، روزنامه نگاران هر ساله ناپدید شده و می مردند. طبقه کارگر در فضایی از ترس برای آینده خود زندگی می کرد.

ایده توافق ارتباط با اتحادیه اروپا در اعماق

رژیم، در سال ۲۰۱۱ متولد شد که در درجه اول منافع شرکت اس-سی-ام، متحدین و روینای سیاسی آن مورد نظر بود.

در فواصل سال های (۲۰۱۳-۲۰۱۱) مقامات رسمی کیف مذاکرات فشرده ای را با اتحادیه اروپا انجام دادند در حالی که در محافل عمومی استقلال از روسیه و منافع آن را تقویت و پشتیبانی می کردند. با این حال، در سال ۲۰۱۳ کل دزدی و احتکار در تمام سطوح دولتی به عدم تعادل قابل توجهی در اقتصاد انجامید که رژیم یانوکویچ تصمیم گرفت تا با بدهی خارجی آنرا جبران کند.

بقیه در صفحه ۸

بقیه در صفحه ۹

## پرسش ها و پاسخ های قابل بحث درباره اوضاع جهان (بخش دهم و پایانی)

**پرسش چهاردهم**  
- به نظر شما چرا سهم و نقش دولت صهیونیستی اسرائیل در تبدیل خاورمیانه به بحرانی ترین منطقه در امپراتوری آشوب به این اندازه که شما مطرح می کنید، مهم و کلیدی است؟ در ضمن چرا به نظر شما پدیده حاکم صهیونیسم در اسرائیل مثل هر پدیده فاندامنتالیستی (بنیادگرایی دینی) از درون جوامع یهودی نشین بیرون نیامده و علل شکلگیری و رشد آن معلول و محصول فاز معینی از تاریخ تکامل سرمایه داری

در دهه های آخر قرن نوزدهم و دهه های آغازین قرن بیستم (مرحله سرمایه داری انحصاری)، می باشد؟

**پاسخ**  
- نقشه "اسرائیل بزرگتر" در اسناد سری و امنیتی دولت اسرائیل و در بیانیه ها و فراخوان های "سازمان جهانی صهیونیست ها" به روشنی نشان می دهد که سرحدات کشور اسرائیل از کناره های رودخانه نیل (در شبه جزیره سینا) در شمال آفریقا تا کناره های رودخانه فرات در عراق و

سوریه و کشورهای دیگر منطقه تاریخی هلال احمر (لبنان، فلسطین و اردن) را در بر می گیرند. این انگاشت و تصویر از نقشه اسرائیل بزرگتر به هیچ وجه و عنوانی محصول "خیالبافی ها" و افسانه های هزار و یک شب خلق های ساکن خاورمیانه و یا "تئوری های توطئه" ساخت چالشگران ضد نظام جهانی بویژه در خاورمیانه نیستند. بلکه حقیقت موجودی این نقشه جغرافیایی را می توان از درون واقعیت های تسخیر نظامی مناطق مختلف خاورمیانه و اتصال آن ها

## تاریخ صدوپانزده ساله ی احزاب و سازمان های چپ متعلق به جنبش های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران (از ۱۲۸۰ تا ۱۳۹۵ خورشیدی)

**فصل دوم: جنبش های سوسیال - دموکراسی و کارگری در عصر مشروطیت (قسمت چهارم)**  
شرایط فلاکت بار و زندگی سخت ایرانیان مهاجر که پس از طی صدها کیلومتر با پای پیاده می بایست از دسترتج ناچیز خود تکه نانی راهم پس انداز کنند و برای خانوته چشم براه خود در نقاط مختلف ایران بفرستند. یافتن کار به قدری وخیم بود که کارگران

به هر کاری تحت شرایطی تن می دادند و بدین جهت مورد استثمار و سوء استفاده کار فرمایان قرار می گرفتند. از جمله به هنگام استخدام کارگران ایران از آنان می خواستند که به قرآن قسم یاد کنند که به عضویت هیچ اتحادیه و حزبی در نیایند و در اعتصاب کارگری در آن مناطق شرکت نجویند و در صورت لزوم به عنوان اعتصاب شکن نیز علیه کارگران روسیه وارد عمل شوند.

رهبران جنبش کارگری روسیه برای مقابله با چنین ترفندهایی بورژوازی روسیه در اوایل قرن بیستم تصمیم گرفتند که با خمایت از روشنفکران ایرانی ساکن آن مناطق به ایجاد اولین نطفه های اتحادیه کارگری ایران و سپس شاخه سوسیال دمکرات های ایران (فرقه اجتماعیون - عامیون) پردازند. بدین طریق با گسیل بعضی از این کارگران همراه با تعدادی از ایرانیان روشنفکر به

بقیه در صفحه ۱۱

### با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:  
Ranjbar  
P.O.Box 5910  
Washington DC  
20016  
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:  
ranjbar.ranjbaran@yahoo.com  
آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:  
ranjbaran.info@yahoo.com  
آدرس غرفه حزب در اینترنت:  
www.ranjbaran.org